

نگاهی دوباره به
انتظار

بسم الله الرحمن الرحیم

نگاهی دوباره به انتظار

نویسنده:

مجید حیدری نیک

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نگاهی دوباره به انتظار

مشخصات کتاب

سرشناسه : حیدری نیک، مجید، ۱۳۳۹-

عنوان و نام پدیدآور : نگاهی دوباره به انتظار/ مجید حیدری نیک.

مشخصات نشر : تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری : ۱۰۴ص.

شابک : ۴۰۰۰ریال: ۹۶۴-۷۴۲۸-۱۳-۸ ؛ ۵۵۰۰ ریال(چاپ دوم)

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۸۵.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۰۲] - ۱۰۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن(عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- غیبت

موضوع : مهدویت -- انتظار

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/ح ۹۵ن ۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۱-۳۲۵۸۵

ص:۱

اشاره

نگاهی دوباره به انتظار

مجید حیدری نیک

نگاهی دوباره به انتظار

مؤلف: مجید حیدری نیک

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

صفحه آرا: عباس فریدی

نوبت چاپ: چهارم/ زمستان ۱۳۹۱

شابک: ۹۶۴-۷۴۲۸-۱۳-۸

شمارگان: هزار نسخه (تاکنون: هشت هزار نسخه)

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

- قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹ - ۳۷۱۳۵/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۷۷۴۹۵۶۵ و ۷۷۳۷۸۰۱(داخلی ۱۱۷و۱۱۶))/۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس:۷۷۳۷۱۶۰ و ۷۷۴۴۲۷۳

- تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ:۳۵۵-۱۵۶۵۵

- www.mahdi۳۱۳.com

کد فایل: ۰۹۰۲۵-۳

ص:۲

بسم الله الرحمن الرحيم

ص:٣

کاشکی می آمدی

 کاشکی می آمدی...

تا نگاهم در نگاهت گم شود

تا دلم از التهاب خالی شود

 کاشکی می آمدی...

تا صدایت آرزوی خسته ام بیدار کند

تا سراج نور تو این هستی تاریک را

روشن کند

 تو کجایی، ای افق، ای منتها

من غمینم منتظر در آرزوی روی تو

کاشکی می آمدی...

تا سپیده در حضورت از ظهور خامُش شود

تا حنای نور در پرتو رنــگ خــوشت

بی رنگ شود

 کاشکی می آمدی...

تا به مژگان هرچه در راهت بود جارو کنم

تا به قدس جویبارت،

این دل بشکسته ام را

پاکسازی کنم

 آه باید در کنار انتظارت بینشی

تا که از مُلک و مَلک بالا روم

پاییز ۸۰

ص:۴

فهرست مطالب

ص:۵

ص:۶

سخن آغازین

اشاره

«اللهم فثبتنا علی دینک و استعملنا بطاعتک و لیّن قلوبنا لولی امرک»

با رشد چشمگیر علم و صنعت، و هجوم و سرمستی که تکنولوژی و دانش به همراه آورد و با ظهور انقلاب ها و مکتب های عدالت طلب و آزادیخواه و مدافع انسان، بازگشت از دین به طور گسترده آغاز شد.

آنگاه پس از اوایل دهه پنجاه، بازگشت به دین آغازید و این، نتیجه شکست مکتب های عدالت طلب و آزادیخواه و انسان دوست و بن بست صنعت و علم بود.

اوج این بازگشت در پیروزی انقلاب اسلامی ایران تبلور یافت. این حادثه بزرگ از یکسو معادلات سیاسی استکبار را در ادامه سیاست سلطه و تقسیم استعماری در جهان، به هم زد و از سوی دیگر زمینه تحوّلات سیاسی چشمگیری را در میان ملت های مسلمان جهان فراهم آورد. این جریان یکبار دیگر اسلام را قدرت سرنوشت ساز جهانی مطرح کرد.

در این میان، آن چه مهم تر می نمود و توجه صاحب نظران و دلسوزان را به خود جلب می کرد، حفظ و تداوم انقلاب و ارزش هایش

ص:۹

بود و دشمن زخمی مترصد ضربه زدن و نابود کردن آن.

از طرفی با این پیروزی و با این بازگشت، خطر بسیار بزرگی در جلو راه ما قرار گرفت؛ نسلی پرشور و با نشاط به سمت مذهب گرایش پیدا کرده بودند. اگر این هجوم سبز و مبارک تغذیه نمی شد و اگر غفلت ها ما را به بن بست می کشاند، دوباره عقب گرد شروع می شد، همان گونه که سیلاب ها هنگام برخورد به سدها، به سرعت برمی گردند....

تا ریزش و رویش دوباره و غنا و سرشاری و سدها و مانع ها را پشت سر گذاشتن، مدتها طول می کشد و چه بسا که طعمه مرداب ها شوند و از پشت سد نگذرند و در کنار مانع ها بمیرند. راستی آیا چنین شد؟ آیا ما تمام وظایفمان را به درستی انجام دادیم؟... نمی دانم؛ اما مهم، درس گرفتن از گذشته و درک موقعیت کنونی و راهبردی برای آینده است.

تجربه بیست و اندی سال پس از انقلاب، این پیام مهم را دارد: ما باید با تمام وجودمان، با تمام امکاناتمان، با عقل و سنجش، با انتخاب و اختیار راه بیفتیم. آری، انقلاب اسلامی ایران هم چنان که برخاسته از اعتقاد به امامت است، زمینه ساز قیام و حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز هست.

امروز در دوره آخرالزمان، برگ آخر تاریخ و دوره شکوفایی تاریخ دینی و مصاف با هجوم خشن شبهات فکری هستیم. در این میدان، پیروزی از آن کسانی است که با بنیان های فکری نیرومند و با عشق بزرگ تر در برابر شهوات تجهیز شده باشند؛ ((الذین امنوا أشدّ حبّا للّه...)).(۱)

به راستی ما خود را از یاران و منتظران به حساب آورده ایم و جای

ص:۱۰

۱- بقره(۲): ۱۶۵.

حرفی باقی نگذاشته ایم، در حالی که حرف ها بسیار است. جا دارد خود را دوباره ارزیابی کنیم و به ریشه ها بپردازیم. کتاب نگاهی دوباره به انتظار می خواهد با همین دید توجهی عمیق و ریشه ای به مسئله مهم روز کار ما یعنی انتظار داشته باشد.

هدف این نوشتار تبیین مفهوم واقعی انتظار، توضیح خاستگاه و ریشه های انتظار و نیز شایسته ها و بایسته هایی است که شیعه منتظر آن ها را راهبرد عملی خرد می داند. تا در این رهگذر به وسعت و رشد رسیده، ثبات در دین و همراهی و معیت رسول و ولی را به دست آورد؛ اللهم اجعل لی مع الرسول سبیلاً. (۱)

نگارنده با تقدیم این اثر به ساحت مقدس ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیقات وافر برای همه منتظران و پیروان واقعی حضرتش را خواستار است. در پایان از همه کسانی که در شکل گیری این اثر سهم داشته اند، به خصوص حجه الاسلام والمسلمین سید مسعود پورسید آقایی مسئول مرکز تخصصی مهدویت، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم

شهریور ۸۱

مجید حیدری نیک

ص:۱۱

۱- مفاتیح الجنان، تعقیبات بعد از نماز در ماه مبارک رمضان.

گفتم که روی ماهت از من چرا نهان است؟

گفتا: تو خود حجابی، ورنه رخم عیان است

گفتم که از که پرسم جانا نشان کویت؟

گفتا: نشان چه پر سی، آن کوی بی نشان است

حافظ

درک انتظار

راستی انتظار چیست؟ چرا این قـدر به آن سـفارش و درباره اش گفتوگو شـده است؟ تو پیام انتظار را نه تنها از لابه لای امواج بلند کلام مهربان رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم و نسیم رسای سخنان بی همتای علی علیه السلام می شنوی که پدران امّت لقب گرفته اند،(۱) بلکه صدای هر یک از معصومان علیهم السـلام ضـمیر هشـیار تو را با ضرورت و اهمیّت آن آشنا می کند.

زمـانی می توانیم معنـای انتظار و حقیقت آن را بیابیم که بـدانیم و لمس کنیم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف را برای چه می خواهیم. پیش از این که معرفت به مهـدی موعود پیـدا کنیم، پیش فرض لازم آن است که او را برای چه می خواهیم و اصـلاً چه ضرورتی به وجود اوست؟ تا نسبت به این مسأله تشنه نشویم، به حقایق آن دسترسی نخواهیم داشت. تا زمانی که این عطش انتظار و این احساس نیاز و به تعبیر زیبای

۱- قال رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم: «أنا و علی أبوا هـذه الامه» (عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۹).

معصومان علیهم السلام اضطرار و افتقار به حجت و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل نگیرد، به دنبال حضرتش نخواهیم رفت و در انتظار ظهورش حرکتی نخواهیم داشت؛

آب کم جو، تشنگی آور به دست

تا بجوشد آبت از بالا و پَست

آری، ضرورت امامت باید از همین ابتدا طرح شود، همان ضرورتی که به وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود به وجود ولی علیه السلام نیز هست. در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو چیز مانع گمراهی مردم بود، وجود آن حضرت و تلاوت آیه های قرآن مجید؛ ((کیف تکفرون و أنتم تتلی علیکم ءَایات اللّه و فیکم رسوله)). (۱)

پس از رسول هم خلیفه ای باید باشد، با همان خصوصیات رسول یعنی آگاهی و آزادی از هوا و هوس (عصمت). احتیاج به کسانی هست که گذشته از حکم، امر و موضوعات را هم بداند. در تفسیر سوره قدر امام می فرماید: «با این سوره شما با مخالفان امامت بحث کنید». (۲) این امری که ملائکه و روح نازل می کنند و این ارتباطی که پس از رسول میان آسمان و زمین هست، برای کیست؟ ولی امر کسی است که در شب قدر امر را به او می سپارند.

پس نه در حکم و نه در موضوع دچار اشتباه نمی شود، همان گونه که اعمال ما به آن ها عرضه می شود و از وضع و کار ما با خبر هستند؛ و حتی می بینند ((سیری اللّه عملکم و رسوله و

۱- آل عمران (۳): ۱۰۱.

۲- بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۷۱، ح ۶۲.

المؤمنون)). (۱)

افزون بر این، عنصـر دیگری که در درک انتظـار به مـا می توانـد کمک کنـد، بازگشت دوباره به خویشـتن خویش است. (۲) چون انسان بیش از هر چیز به خودش آگاهی دارد. اگر ابوذرها در یک برخورد این گونه شوریـده می شونـد و راه می افتنـد، از همین جـاست که او را به برداشت از خویش دعوت کرده انـد. از این رو منـاسب است نگـاهی دوباره به مقوله انتظار داشـته باشیم. در این بازخوانی مروری خواهیم داشت بر عناوین آتی.

۱- توبه (۹): ۱۰۵.

۲- لاینج فی الملکوت من لایولد مرتین. امام صادق علیه السـلام به نقل از کلمات قصار حضـرت مسیح می فرماید: به ملکوت راه پیدا نمی کند، کسی که دوباره متولد نشده باشد. (تولد اول از ملک و رحم مادر و تولد دوم، ما را به ملکوت می کشاند)

فصل یکم: چیستی انتظار

اشاره

ص:۱۵

اگر مفاهیم صحیح و واقعی واژه ها درک شود، اشتباهات و سوء تفاهماتی که در شناخت مذهب و اهداف آن برای عده ای پیش آمده یا می آید، بر طرف و اهداف واقعی مکتب، روشن می شود. برخی از مفاهیمی که برداشت های مختلفی از آن شده، انتظار ظهور و فرج مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. بدین جهت شایسته است با کمی تأمل و درنگ، در این زمینه، کنکاشی داشته باشیم.

معنای لغوی

انتظار در لغت، به معنای درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده است. (۱) با مطالعه فرهنگ های لغت در می یابیم که انتظار یک حالت روانی به همراه درنگ و تأمل است؛ اما از این معنا دو نوع برداشت می توان کرد.

۱. این حالت روانی و چشم به راهی، انسان را به اعتزال و انزوا بکشاند و منتظر، دست روی دست بگذارد، وضعیت موجود را تحمل

ص:۱۶

۱- التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱۲، ص ۱۶۶.

کند و به امید آینده مطلوب، بدون هیچ گونه تلاشی فقط انتظار بکشد.

۲. این چشم به راهی و انتظار سبب حرکت، پویایی و عمل و آمادگی وسیع تر گردد.

کدام یک از این دو معنا، مراد و مقصود بزرگان و رهبران دینی است؟ با مراجعه به متون روایی، مشاهده می شود که معصومان علیهم السلام خیلی روشن و صریح با ارائه تصویری مناسب از انتظار، روی برداشت نخست، خط بطلان کشیده اند و برای این که هرگز آن معنا به ذهن مخاطب خطور نکند، انتظار را عمل نامیده اند، آن هم برترین اعمال(۱) یا آن را عبادت خوانده اند، آن هم محبوب ترین عبادت. (۲)

اساساً این یک قاعده عقلی و منطقی است؛ آن کس که وضعیت موجود را نمی پذیرد و تحمل نمی کند، در انتظار گشایش است و برایش آماده می شود؛ من انتظر أمراً تهیّأ له.

بررسی دیدگاه ها

بعضی که انتظار را خاموشی و گوشه گیری و اعتزال و مذهب احتراز(۳) پنداشته اند و بدین وسیله، آن را مورد هجوم قرار داده اند، به خطا

۱- «أفضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل»، «انتظارالفرج من أعظم العمل» (کمال الدین، ج ۲، باب ۵۵، ح۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲).

۲- «انتظار الفرج عباده»، «سُئل عن علی علیه السلام رجل أی الاعمال أحبّ الی الله عزوجل؟ قال علی علیه السلام: انتظار الفرج» (کمال الدین، ج ۲، باب ۵۵، ح۱).

۳- ر.ک: حلاج، اثر علی میرفطروس.

رفته انـد؛ چون حقیقت انتظار را درک نکرده انـد و تیری در تاریکی انـداخته انـد.ماننـد آنان که انتظار را مذهب اعتراض(۱) خیال کرده اند، آن هم اعتراضی که از سقیفه و از زبان علی علیه السلام آغاز شد، به بی راهه رفته اند.

در برابر ایـن نگـاه، دو پرســش مطرح اسـت. ۱. دامنه این اعتراض تـا کجـاست؟ تـا رفـاه، تـا عـدالت، تـا عرفـان، تا آزادی، تا شکوفایی و تکامل یا...؟ ۲. پی آمد این اعتراض چیست؟ چه باری بر دوش منتظر می گذارد و این نفی با چه اثباتی همراه می شود؟

در مورد پرسـش نخست باید بگوییم: آرمان های دینی از تکامل و شکوفایی استعداد آدمی، بالاتراست؛ چون زمانی که انسان به تکامل هم برسـد، باز مسأله این است که در چه جهتی می خواهد مصـرف شود، رشد یا خُسـر؟ این دو مسأله اساسـی بعد از تکامل و شکوفایی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:

الناس معادن کمعادن الذّهب و الفضه. (۲)

مردم گنجینه هایی هستند، چون معدن طلا و نقره.

استفاده از معادن، سه مرحله دارد: کشف؛ استخراج؛ شـکل دادن. تا این جا مرحله کمال و شکوفایی است، اما این آهن شکل گرفته که مثلا به شکل اتومبیل درمی آید، جهت می خواهد. پس مرحله چهارم، جهت یابی این معدن، این انسان است.

جهت به سوی کیست؟ به سوی پایین تر از خود و رضایت به

۱- ر.ک: انتظار، مذهب اعتراض.

۲- بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۶۵، ح ۵۱؛ کافی، ج ۸، ص ۱۸۸.

زندگی حیوانی و همین حیات دنیوی؟(۱) این تنزل است. انسان با کم ترین مقایسه درمی یابـد که از حیوانات بالاتر است. در نتیجه، هـدفی برتر می یابـد؛ حرکت به سوی بالاـتر از خودمـان. این تحرک است، رشـد است. بالاـتر از من کیست؟ آفریننـده انسان که حاکم و خالق هستی است. (۲)

امامت، هدایت گر این حرکت و سیر صعودی است که پس از مقام رسالت، به این مهم می پردازد و اکنون عَلَم این حرکت را در دستان پرمهر مهدی موعود علیه السلام جستوجو باید کرد.

در مورد پرسـش دوم هم بایـد گفت: منتظر مهـدی، آماده است و برای حکومت حضـرت مهـدی علیه السـلام زمینه سازی می کند، چنان چه در حدیث آمده است: و یوطّئون للمهدی سلطانه. (۳)

اهمیت این آمـادگی و زمینه سـازی را در پیام صادقانه امام صادق علیه السـلام می توان جسـتوجو کرد که در آن، از کم ترین آمادگی، سخن رفته است:

لیُعدّن أحدکم لخروج القائم و لو سهماً؛ فان الله تعالی اذا علم ذلک من نیّته

ص:۱۹

۱- ((ارضیتم بالحیوه الدنیا)) (توبه(۹): ۳۸).

۲- چنـان چه در نمـاز هم به همین جهت آموزش داده می شود و در سـجده می خوانیم: «سـبحان ربی الاعلی و بحمـده؛ پاک است خدای من که برتر است».

۳- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۸؛ کنز العمال، ح ۳۸۶۵۷.

رجوتُ لَاَنْ یُنسَی فی عمره حتّی یُدرکه فیکونَ من أعوانه و أنصاره. [(۱)](#content_note_20_1)

هر یک از شـما برای خروج قائم، باید آماده باشد، گرچه با فراهم کردن یک تیر باشد؛ چون وقتی خداوند ببیند کسـی به نیّت یاری مهدی علیه السـلام مسلح شده است، امید است که عمر او را دراز کند، تا ظهور او را درک کند و از یاوران آن حضرت باشد.

از طرفی مهم ترین لقب پیشوای منتظر، «قـائم» است که برای احترام هنگام شـنیدن آن، قیام لازم است، لیکن حکمت اجتماعی این احترام نیز ما را به معنای حقیقی انتظار رهنمون می سازد. انسان منتظر با این حرکت خود می خواهد نشان دهد که در حال آمادگی برای قیام و مبارزه و جهاد است. [(۲)](#content_note_20_2) بعضـی به اشتباه فکر می کنند که همه کارها خود به خود و بدون زمینه سازی و آمادگی درست می شود! در حالی که هیـچ گاه بنای عالم بر این اسـتوار نبوده که بدون هیچ رنجی و جهادی، مشـکلات بشـر حل شود. سخنان حکیمانه امام باقر علیه السلام در این مورد، بسیار خواندنی است:

۱- الغیبه، نعمانی، باب ۲۱، ح ۱۰، ص۴۵۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

۲- آیت الله طالقانی رحمه الله می گویـد: «این دسـتور قیام، شایـد برای احترام نباشـد، وگرنه برای خدا و رسول و اولیای مکرم دیگر هم بایـد به احـترام، قیـام کرد، بلکه دسـتور آمـادگی و فراهم کردن مقـدمات نهضت جهـانی و در صـف ایسـتادن، برای پشتیبانی این حقیقت است....» (مجله مجموعه حکمت، شماره ۱ و ۲، سال سوم).

...قلت لأبی جعفر علیه السلام: انّهم یقولون: انّ المهدی لو قام، لاستقامت له الأمور عفواً و لا یهریق محجمه دم. فقال: کلا، و الذی نفسی بیده، لو استقامت لاحد عفواً لاستقامت لرسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حین أُدمیتْ رُباعیته و شُجَّ فی وجهه، کلّا و الذی نفسی بیده حتی نمسح نحن و أنتم العرق و العلق؛ ثم مسح جبهته. (۱)

... به خدمت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: مردم می گویند چون مهدی قیام کند، کارها خود به خود درست می شود و به اندازه یک حجامت، خون نمی ریزد.

حضرت در پاسخ فرمود: هرگز، به خدای جان آفرین سوگند! اگر قرار بود کار برای کسی، خود به خود درست شود، برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می شد، هنگامی که دندانش شکست و صورتش شکافت. هرگز چنین نیست که کار خود به خود درست شود. به خدای جان بخش سوگند! کار درست نخواهد شد تا این که ما و شما در عرق و خون غرق شویم. آن گاه به پیشانی خود دست کشید.

انتظار اصیل

اکنون با توجه به معنای لغوی و روایات انتظار و اقوال و دیدگاه ها در این زمینه، می توان گفت: انتظار نه احتراز است و گوشه نشینی، نه اعتراض و نفی طاغوت ها. در واقع، این ها حالت روحی و روانی محض هستند، بلکه انتظار، عمل و اقدام، پویایی و حرکت است. از این رو در

۱- الغیبه، نعمانی، ب۱۵، ح۲، ص۴۰۸؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.

روایات، انتظار بهترین و محبوب ترین عمل خوانده شده است. (۱)

حقیقت انتظار بسیار بالاتر از این محدوده هاست. انتظار جنبه اثباتی دارد؛ یعنی آمادگی و اقدام. منتظر فرزند محبوب و دلدار عزیز، در خود و در محیط اطراف، نشان و اثر می گذارد. منتظر مهدی و قائم آل محمد علیه السلام چگونه می تواند آماده نشود و زمینه سازی نکند، در حالی که به شمشیر زدن در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر فرق دشمن(۲) تشبیه شده است.

اساساً انتظار خشک و خالی، به عبارت دیگر امید ذهنی بی آن که در جامعه تحقق یابد و آثارش آشکار شود، هیچ گاه بهترین عمل نخواهد بود و این معانی، حاکی از حضور در صحنه و فعالیت های علمی و کار و کوشش و زمینه سازی عینی است، نه نیت بدون عمل و امید ذهنی بدون آثار عملی.

پس انتظار به معنای آینده نگری، دگرگونی است و این دگرگونی به زمینه سازی، نیاز دارد.

۱- از سویی، انتظار در روایات، عمل خوانده شده. و از سوی دیگر در روایتی می خوانیم: نیه المؤمن خیر من عمله؛ نیت در مقابل عمل قرار گرفته است. پس مراد از انتظار، نیت بدون عمل و امید ذهنی بدون آثار عملی نیست.

۲- «... کمن قارع مع رسول الله بسیفه» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶).

فصل دوم: ضرورت انتظار

اشاره

ص:۲۳

عقیـده به ظهور مصـلح و آمـاد گی برای انقلاـب جهانی، چنان حیاتی و لازم بوده است که پیشوایان دینی انتظار را راهبرد مهم ایـن برهه تـاریخی دانسـته، در دوران غیبت به آن فرمـان داده انـد. (۱) اهمیت و ضـرورت دوره انتظـار را می تـوان از زوایـای مختلف بررسی کرد:

الف. توجه به معنا و حقیقت انتظار

همـان گونه که گـذشت، انتظـار یـک دوره آماده سازی و زمینه سازی است و هر انقلاب و حرکتی که این دوره را پشت سـر نگذاشـته باشـد، ناقص و بی ثمر است. کسانی را می بینیم که به پا ایسـتاده انـد و راه افتاده اند، ولی دوره انتظاری نداشـته اند. گویا چیزی نمی خواسته اند و

۱- «انّ القـائم منّـا هـو المهـدی الّـذی یحب أن ینظر فی غیبته و یطـاع فی ظهوره» (منتخب الأـثر، ص ۲۲۳). چون در لاـبه لای مبـاحث گذشـته و آینـده، از روایاتی در مورد ارزش و فضـیلت و اهمیت انتظار سـخن رفته است، در این جا از پرداختن به این مسأله خودداری شده است. ر.ک: بحارالأنوار، ج ۵۲، صص ۱۲۲ _ ۱۲۵، ۱۴۰ و ۲۲۳؛ الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۰؛ منتخب الأثر، صص ۴۹۶ _ ۴۹۸ و ۲۳۴؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۶.

تنها بر اساس جوّ محیط و جریان حاکم به رفتن وادار شده اند.

این ها بـدون انتظار و بـدون آماده باش در گام های نخست گرفتار شـده انـد و به خودخوری و فرار از خویشـتن رسـیده اند و سرانجـام زیر فشـار ابهـام هـا و اشـکال هـا، در مرحلـه فکر و اعتقـاد، ظرفیت و تحمـل، طرح و برنـامه، اجرا و عمـل، از کمبـود امکانات گرفته تا نیازهای اقتصادی و نیازهای تخصصی و علمی، حتی آمادگی بدنی و توانایی جسمی، به انزوا و فرار از کار و جدایی از عمل روی آورده اند.

طبیعی است آن ها که عمل زده بودند، بعدها با نفرت، عرفان زده، فلسفه زده و علم زده و کلاس زده هم بشوند و به دنبال پناه گاهی بگردند. باز هم طبیعی است که به پناهی نرسند و سرگردان بمانند.

بنـابراین، برای هر انقلابی گـذر از دوره انتظار ضـرورت است و هر قـدر اهـداف انقلابی بزرگ تر باشـد، دوره انتظار آن هم گسترده تر خواهـد بود. سـنت تغییرناپذیر الاهی، بر این است که ایجاد تغییرات اصـلاح گرایانه در گرو سلسـله شـرایط و زمینه های خارجی است و تا همه آن شرایط کاملاً تحقق نیابد، امکان رسیدن به هدف وجود ندارد.

بـدین جهت، آیین اسـلام پس از یـک دوره طولانـی و چنـدین قرن، ظهور کرد. جهـان در انتظار مانـد تا پنـج قرن از جاهلیت بگذرد، آنگاه آخرین پیام آسمانی به واسطه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده شد.

این خاصـیت انتظـار است که تو را وادار می کنـد تـا کمبودها را حـدس بزنی و برای فراهم آوردن آن بکوشـی. این خاصـیت انتظـار است که تو را به آمـادگی و حضوری می رسانـد که مانع ها را بشناسـی و برای زدودن آن ها، برنامه بریزی. آن جا که انسان افراد استخوان داری را

می بیند که پس از سال ها تحصیل چگونه سر در گم هستند و نمی دانند چه کنند و خسته و رنجور و آزرده شده اند، به این نتیجه می رسد که علت انزوا و خستگی این ها نداشتن دوره انتظار است.

این ها ندیده آمده اند و طبیعی است که با دیدن مشکلات، سرگردان شوند یا این که تجدید نظر دوباره داشته باشند و از اساس، کارشان را درست کنند و بنیادی پیش بیایند.

ب. بررسی اوراق زرین تاریخ

ضرورت و اهمیت دوره انتظار را از لابه لای صفحات تاریخ نیز می توان به دست آورد.

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام و سیدالشهداء علیه السلام تا امروز، ریشه تمام حرکت ها و نهضت های شیعی علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه مبارزه تا پیروزی حق بوده است. این امر چنان مورد توجه بزرگان دین قرار گرفته تا آن جا که یکی از معیارهای پذیرش اعمال نامیده شده است. (۱)

از مهم ترین رازهای نهفته بقای تشیع همین روح انتظاری است که کالبد هر شیعه را آکنده ساخته، پیوسته او را به کوشش و جنبش

ص:۲۶

۱- عن أبی عبدالله علیه السلام أنه قال: «ألا- أخبركم بمالا- یقبل الله عزّوجلّ من العباد عملا الاّ به؟ فقلت: بلی، فقال... و انتظار القائم علیه السلام. امام صادق علیه السلام به راوی فرمود: آیا ملاک قبولی اعمال بندگان را به شما خبر دهم؟ راوی گفت: آری. امام فرمود: آن ها عبارت است از... و انتظار مهدی قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف» (الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۰).

وامی دارد و از نومیدی و بی تابی و افسردگی و درماندگی او را باز می دارد. این تأثیر چنان ملموس و کارساز بوده که اسلام پژوهان غربی(۱) نیز از آن گفتوگو کرده اند.

خوشتر آن باشد که سرّ دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

«هانری کربن»(۲) اسلام شناس شهیر فرانسوی می گوید:

...مفهوم غیبت، اصل و حقیقت غیبت هرگز در چارچوب درخواست های دنیای امروز در معرض تفکر عمیق قرار نگرفته است... معنای این امر به عقیده این جانب، چشمه ای بی نهایت و ابدی از معانی و حقایق است... معنویت اسلام تنها با تشیّع، امکان حیات و دوام و تقویت دارد و این معنا در برابر هرگونه تحول و تغییری که جوامع اسلامی دستخوش آن باشند، پایداری خواهد کرد.

امام زمان، مفهوم اعلایی است که مکمل مفهوم غیبت است، ولی کاملاً به شخصیت امام غایب، مرتبط است. این جانب، مفهوم امام غایب را با روح غربی خودم به گونه ای نو و بکر، احساس و درک می کنم و چنین به تفکر

۱- به دلیل مفصل شدن کتاب از نقل نظریات دانشمندان مسلمان در اهمیت و ضرورت این دوران می گذریم. زیرا ما را از هدف اصلی دور می کند. شنیدن حقایق از زبان دیگران، اثر گذارتر و روشن گر بسیاری از واقعیت های پنهان می شود که ما به سبب تکرار و زیاد شنیدن از کنارشان به سادگی گذشته ایم.

۲- Hunry corban.

و دلم الهام می شود که رابطه حقیقی آن را با حیات معنوی بشر، وابسته می دانم.(۱)

«جیمز دار مستر»(۲) شرق شناس معروف فرانسوی در این باره می گوید:

در حلّه که نزدیک بغداد است، همه روزه پس از نماز عصر، صد نفر سوار با شمشیر برهنه می رفتند و از حاکم شهر، اسبی با زین و برگ می ستاندند و... فریاد می زدند: تو را به خدا، ای صاحب الزمان! تو را به خدا بیرون بیا.

وی همچنین می گوید:

قومی را که با چنین احساسات پرورش یافته است، می توان کشتار کرد، اما مطیع نمی توان ساخت. (۳)

«ماربین» محقق آلمانی می گوید:

از مسایل اجتماعی بسیار مهمی که سبب امیدواری و رستگاری شیعه است، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است....(۴)

«ای. ب. پتروشفسکی» تاریخ دان و ایران شناس علوم شوروی سابق، در این زمینه می نویسد:

چشم به راه مهدی بودن در عقاید مردمی که نهضت های

۱- رسالت تشیع در دنیای امروز، صص ۲۵ _ ۳۵.

۲- Jaimse Dar Mester.

۳- مهدی از صدر اسلام تا قرن ۱۳ هجری، صص ۳۸، ۳۹، ۷۹.

۴- سیاست اسلام، ماربین، فصل هفتم، فلسفه مذهب شیعه، صص۴۹ _ ۵۰.

قرن سیزدهم را در ایران به پا داشتند، مقام بلندی داشته است، ولی در قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی، این عقیده راسخ تر و مشهودتر گشت.(۱)

ج. بررسی مواضع دشمنان

در اهمیت دوران انتظار همین بس که دشمنان، آن را مانع تسلط خود بر مسلمانان برشمرده اند: «میشل فوکو، کلر بریر» در بحث مبارزه با تفکر مهدی باوری، نخست امام حسین علیه السلام سپس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را مطرح می کنند و دو نکته را عامل پایداری شیعه می دانند: نگاه سرخ و نگاه سبز.

در کنفرانس «تل آویو» هم افرادی مانند «برنارد لوییس، مایکل ام جی، جنشر، برونبرگ و مارتین کرامر» بر این بحث خیلی تکیه می کنند. آن ها در تحلیل انقلاب اسلامی، به «نگاه سرخ» شیعیان، یعنی عاشورا و «نگاه سبز» شان یعنی انتظار می رسند. جمله مشهوری دارند: «این ها به اسم امام حسین قیام می کنند و به اسم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قیام شان را حفظ می کنند».(۲)

دشمن به اهمیت مدیریت شیعه، آن هم زمانی که رهبر آن غایب و از نظرها پنهان است پی برده، و به همین منظور اقداماتی در این زمینه انجام داده و سناریوهای متعددی را جهت تضعیف و نابودی

۱- علاقه مندان به کتاب های در انتظار ققنوس، ص ۳۰۴ و ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام، ص ۲۳۹ مراجعه کنند.

۲- به نقل از: مجله بازتاب اندیشه، خرداد ۸۰، ص ۱۹۳ (مجله موعود، ش ۲۵ و ۲۶).

این اندیشه مقدس طراحی کرده، متناوباً عملی ساخته است.

دخالت مستقیم و حمایت از پروسه «شخصیت پردازی و مهدی تراشی»، تخریب پایه های فکری «مهدی باوری» از طریق ژست های علمی و به ظاهر شرق شناسی، پرورش و حمایت از سرسپرده های داخلی مانند احمد کسروی، شریعت سنگلجی، سلمان رشدی و اخیراً احمد الکاتب، انتشار تبلیغات مسموم رسانه ای، امپراتوری اهریمنی رسانه های استکباری و بمباران تبلیغاتی توپ خانه های صوتی و تصویری ژورنالیستی نظام سلطه، یکی از قوی ترین ابزارهای کودتای فکری و شستوشوی مغزی توده هاست.

در واپسین دهه های قرن بیستم، هجومی از این نوع را علیه ایده «ظهور مهدی موعود» شاهد بودیم. در سال ۱۹۸۲ میلادی، سریالی با نام «نوستر آداموس» به مدت سه ماه متوالی از شبکه تلویزیونی آمریکا پخش شد. این فیلم سرگذشت ستاره شناس و پزشک فرانسوی به نام «میشل نوستر آداموس» بود که نزدیک به ۵۰۰ سال پیش می زیسته است.

این سریال، پیشگویی های وی را درباره آینده جهان به تصویر کشیده بود که مهم ترین آن ها پیش گویی وی درباره ظهور نواده پیامبر اسلام در مکه مکرمه و متحد ساختن مسلمانان و پیروزی بر اروپاییان و ویران کردن شهرهای بزرگ سرزمین جدید (آمریکا) بود.(۱)

هدف از این مانور تبلیغاتی، به تصویر کشیدن چهره ای خشن، بی

۱- ر.ک: در انتظار ققنوس، ص ۳۱۱.

رحم، ویران گر و گرفتار جنون قـدرت از مهدی موعود، تحریک و بسـیج عواطف ملل غربی علیه اسـلام و منجی موعود آن و در کوتاه مدت، بستر سازی روانی بود.

به احتمـال قوی بـا توجه به شواهـد موجود، حملات تروریستی ۲۰ شـهریور هشـتاد به شـهرهای واشنگتن و نیویورک نیز ادامه همان سـناریوی از قبل تهیه شده ای است که پرده دیگری از آن به نمایش گذاشـته شد تا با جلب عواطف و آرای مردم جهان علیه نهضتها و جنبش های اسلامی، بستر مناسبی برای سرکوب مبارزان و آزادیخواهان مسلمان در سراسر جهان فراهم شود.

ص:۳۱

فصل سوم: اب_عاد انتظار

اشاره

ص:۳۳

آن کس که در انتظار است، آماده می شود تا ضعف های خودش را برطرف کند و مانع ها را بشناسد و در نقطه ضعف های دشمن خانه بگیرد و از آن سنگر بسازد.

اکنون این پرسش مطرح است: آمادگی و زمینه سازی در کجا و به چه صورتی؟ برای توضیح این مطلب باید گفت: انسان منتظر باید از آمادگی همه جانبه برخوردار باشد؛ فکری و روحی، برنامه ریزی، عملی.

الف. توانمندی های فکری

سقف های سنگین و رسالت های بزرگ، پایه های محکم می خواهند، پایه هایی که در شعور و احساس قرار گرفته باشند. بدین جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

لکلّ شی دعامه و دعامه هذا الدّین الفقه و الفقیه الواحد أَشدُّ علی الشّیطان من أَلف عابد. (۱)

برای هر چیز، پایه ای است؛ اساس دین اسلام، فهم عمیق است و یک فقیه در برابر شیطان، از هزار مسلمان

۱- نهج الفصاحه، ح ۹۰.

عبادت گزار [بدون شناخت]محکم تر و اثر گذارتر است.

بنـابراین، در دوره انتظـار، بایـد بنیان های فکری عمیقی پیـدا کنیم تا در مقابل افکار و مکاتب مختلف از پا نیفتیم؛ اما چگونه؟ بعضی خیال می کنند که برای انتخاب صحیح باید تمام مکاتب را شناخت، آن گاه انتخاب کرد، ولی این بررسی برای انتخاب کـافی نیست. زیرا درست است که گفتنـد بایـد گفته هـای نیکو را گوش داد و بهترین را انتخاب کرد،(۱) ولی بهتر را بایـد با اصلی سنجید، این اصل کدام است؟

علی علیه السـلام می گویـد: کفی بـالمرء جهلاً ـ أن لاـیعرف قـدره. (۲) در نـادانی انسـان همین بس که بـا تمـامی اطلاعـات و مطالعات بزرگ، معیاری نداشته باشد و اندازه خودش را نشناسد.

آن چه یک منتظر باید در زمینه فکری به آن مسلح باشد، درک و شناخت قدر خویش است که معیار انتخاب مکتب هاست و انسان را در برابر افکار گوناگون راهنمایی می نمایـد و انتخاب بهترین را ممکن می سازد. چون بهترین ها در شـعاری که ارائه می دهند، همراه مقایسه ای که در میان این شعار و قدر وجود من برقرار می شود، انتخاب می گردد.

با توجه به همین معیار است که می توانی کار گروه ها و مکتب های گوناگون را نقـد بزنی. لازم نیست همه مکاتب را مطالعه کرد، بلکه

۱- ((فبشّر عبادی الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه)) (زمر(۳۹): ۱۸).

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۶.

همین قدر از مکاتب را باید دانست که طرح آن ها برای سرانجام انسان چیست؟ مثلا وقتی شما می خواهید یک جفت کفش بخرید، تمام کفش های یک فروشگاه را آزمایش نمی کنید. اندازه و شماره پا، شما را در انتخاب بهترین کمک می کند.

درباره مکتب ها و گزینش آن ها نیز چنین است؛ وقتی من اندازه واقعی انسانی خودم را کشف کردم و آن را شناختم، در پی این هستم که مکاتب مختلف، چه لباسی را برای این انسان می دوزند. آن وقت در می یابم لباس هایی را که آن ها برای من می سازند، حتی انگشت پای مرا نمی تواند بپوشاند، جز مکتب تشیع که آرمان ها و اهدافش با اندازه وجودی و ارزش واقعی انسان، هماهنگ است.

این راه، راه گشای بن بست های حیرت زاست. این شروع در ما جریانی پدید می آورد که از مطالعات و تفکرات دیگران هم می توانیم بهره ببریم و این جریان فکری است که در برابر فکرهای گوناگون می تواند مقاوم باشد. آری انسان بی نهایت استعداد دارد. (۱) اگر این را باور کرده باشیم، هیچگاه آن جایگاهی را که داریم، پایان خط نمی دانیم و همواره مجبوریم حرکت کنیم.

ب. توانمندی های روحی

اشاره

منتظر باید در زمینه روحی نیز آمادگی بالایی داشته باشد تا در برابر حوادث و مصیبت ها از کوره در نرود و بار سنگین رسالت و آگاهی های

ص:۳۶

۱- «أتزعم انّک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الأکبر» (ریاض السالکین، ج ۷، ص ۲۱۹؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۶۷).

عظیم را بر عهده گیرد. در واقع، ظرفیت وجودی مرا در کنار گرفتاری ها مقاوم می سازد، از این رو وقتی منتظر دعا می کند، از خداوند شناخت می طلبد:

اللهم عرفنی نفسک..... خدایا؛ خودت را به من بشناسان.

همچنین ثبات قدم را می خواهد؛ ثبتنی علی دینک نیز پایداری صبر را درخواست می کند؛ صبّر نی علی ذلک. (۱) منتظر باید از چنان روحیه ای برخودار شود که همراه رنج ها و سختی ها، راحتی ها را داشته باشد. زیرا در زمان غیبت، مردم مورد سخت ترین امتحانات قرار می گیرند و زیر و رو می شوند. چنان چه امام باقر علیه السلام در پاسخ یکی از یاران که پرسید: فرج شما چه وقت است؟ فرمودند:

هیهات، هیهات لا تکون فرجنا حتی تغربلوا ثم تغربلوا _ یقولها ثلاثاً _ حتّی یذهب الکدر و یبقی الصفو. (۲)

هر گز هرگز، به این زودی فرج ما نرسد تا غربال شوید،باز هم غربال شوید و باز هم غربال شوید تا کدورت ها برود و صفا بماند.

ایجاد روحیه، امر مهمی است که در دوره انتظار باید حاصل شود، ولی مهم تر از آن، راه های ایجاد این روحیه است که چگونه و با چه روشی این روحیه در منتظر پدید می آید. اکنون به مواردی اشاره می کنیم:

۱. درک قدر

آدمی که اندازه خودش را شناخته، به سبب کمترها توفان نمی گیرد و

ص:۳۷

۱- مفاتیح الجنان، دعای غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲- اثباه الهداه، ج ۷، ص ۲۴.

از جا نمی کند. ظرفیت و وسعت روحی ما در آن چه بر ما اثر می گذارد، و آن را خوب می شماریم و به آن اهمیت می دهیم، مشخص می شود. زیرا امام علی علیه السلام می گوید:

قیمه کلّ امرء ما یحسنه؛(۱) قدر الرّجل علی قدر همّته؛(۲)

ارزش آدم به اندازه همان چیزی است که بر او اثر می گذارد و برای او اهمیت دارد.

پس باید به این مرحله برسیم که ارزش وجودی خودمان از چیزهایی که برای ما اهمیت دارند و بر ما اثر می گذارند، بالاتر است. پس همت هایمان فراتر می رود تا آن جا که حرکت می کنیم و در این حرکت با مسایلی رو به رو می شویم که پیشاپیش، آماده شده بودیم.

این نکته رمز گر بدانی، دانی

هرچیز که در جستن آنی، آنی

تا در طلب گوهر کانی، کانی

تا در هوس لقمه نانی، نانی

۲. رفعت ذکر

رفعت ذکر هم سبب وسعت صدر می تواند باشد و قرآن چه زیبا به این موضوع اشاره دارد؛ ((ألم نشرح لک صدرک و وضعنا عنک وزرک و رفعنا لک ذکرک)).(۳) آن جا که ذکر و یاد تو را، نه اسم و نام تو را (نفرمود: و رفعنا لک اسمک) بالا بردیم، در تو وسعتی پدید آوردیم و بارهای سنگین و کمرشکن را از

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۸۱.

۲- نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۴۷.

۳- الشّرح (۹۴): ۱.

تو برداشتیم، تا آن جا که تو همراه هر رنج، دو راحتی می دیدی؛ ((فانّ مع العسر یسراً انّ مع العسر یسراً)). (۱) تکرار نکره واژه یُسر ــ بدون الف و لام ــ در حالیکه واژه عسر معرفه است ــ با الف و لام ــ بیانگر این است که همراه هر رنج دو راحتی است که تو ورزیده شده ای و با رفعت یاد و ذکر به وسعت سینه، راه یافته ای.

۳. دیدن تمام راه

کسی که تمامی راه را دیده، مانع ها را شناخته است، این وجود آگاه مطلع منتظر است و از دیدن حوادث و گرفتاری ها نمی لرزد. زیرا از پیش آماده شده، به انتظار نشسته است. کسانی می لرزند که با رؤیاها و توقع های بی حساب، راه افتاده اند و به گمانشان تا راه افتادی، تمام دشمنان برایت نقل و نبات می آورند.

ولی آنان که مانع ها را دیده اند و برای مبارزه با آنها آماده شده اند به وسعت روحی رسیده اند و با استقامت و مجاهدت به پیمودن راهشان ادامه می دهند.

۴. اطاعت و تقوا

کسی که حدود را می شناسد و تکلیفش را می داند و به این تکلیف می خواهد عمل کند، دیگر فشاری ندارد، بلکه در جایگاه امن نشسته است؛ ((انّ المتقین فی مقام أمین)). (۲) وجودی که

۱- الشّرح (۹۴): ۵ و ۶.

۲- دخان(۴۴): ۵۵.

تکلیفش را شناخته، وحی را می فهمد، از آن چه پیش می آید، وحشت ندارد، حتی با آن چه می شود، کاری ندارد.

آن رسول عزیز صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: ما کنت بدعاً من الرّسل؛ من از میان رسولان بدعت و چیز تازه ای نیاورده ام. و ما أدری مایفعل بی و لا بکم؛ حتی نمی دانم که برای من و شما، چه پیش می آید. ((ان اتبع الا ما یوحی الی)). (۱) من فقط بر روی مرز و به دنبال وحی حرکت می کنم. زیرا همین اطاعت و تقوا و عمل به وظیفه است که امن می آورد و از بن بست بیرون می کشد؛ ((و من یتق الله یجعل له مخرجاً)). (۲)

۵. پیوند با خدا

رزق انسان فقط در خواندن کتاب نیست. مطالعه آفاق و انفس هم آیه ها و نشانه هایی را در پی دارد و مایه های فکری و روحی انسان را استحکام می بخشد. افزون بر این، کسانی که روز را با خلق خدا به سر می برند، باید در شب به یاد خدا باشند و از قرب او رزق بگیرند، تا بار برخوردهای سنگین و درگیری های مستمر روزانه را بتوانند به دوش بگیرند.

به همین دلیل، رسول باید پیش از قیامش در روز، شبانه برخیزد و قرآن را آرام بخواند و با ترتیل در وجودش بنشاند؛ چون

۱- احقاف(۴۶): ۹ و ۱۰.

۲- طلاق(۶۵): ۲.

می خواهـد قول ثقیل و رسالت سـنگینی را بر دوش بگیرد. (۱) این پیونـد شـبانه و دعا، قرائت یا قیام فراهم کننده رزق روزانه مؤمن منتظر است که سوخت و ساز و درگیری و برخوردهای شکننده دارد.

۶. تمرین و ممارست

اگر انسـان بـا آن شـناختی که یـافته، زنـدگی کنـد؛ یعنی؛ آن چه فهمیـد، حرکت و تمرین کنـد، بارهـای سـنگین را می تواند بردارد.

چنین کسـانی به ثبـات می رسـند؛ ((مثل کلمه طیبه کشـجره طیبه أصـلها ثابت و فرعها فی السـماء))(۲)، یـک انسان پاک مثل درخت پـاک است، ریشه های ثابتی دارد و شاخ و برگ گسترده. ((یثبت اللّه الـذین امنوا بالقول الثابت))(۳) کسانی که ایمان آورده انـد، با گفته های ثابت تثبیت می شونـد. آن یافته های انسان، اگر در او شـکل گیرد و با آن زندگی کند، با همان ها به ثبات می رسد و قدرت پیدا می کند.

ج. برنامه ریزی

اشاره

منتظر بایـد طرح داشـته باشد و با توجه به نقشه سازندگی، دنبال مصالح و لوازمی باشد که قبلا برنامه ریزی کرده است. نکاتی که در این زمینه باید مد نظر داشت، عبارت است از:

۱- ((یا أیها المزّمّل قم اللّیل الاّ قلیلا نصفه أو انقص منه قلیلا أو زد علیه و رتّل القران ترتیلا)) مزمل(۷۳): ۱ ــ ۵.
۲- ابراهیم(۱۴): ۲۴.
۳- ابراهیم(۱۴): ۲۷.

۱. هدف مندی

طرح بر اساس هدف و هدف بر اساس درک از قدر و ارزش، شکل می گیرد. با در دست داشتن هدف، کلید طرح به دست می آید.

۲. ارزش مندی هدف

انسانی که خودش را میوه هستی می بیند و آدمی که در او همت های بلند شکل می گیرد و مسئولیت های بزرگ پذیرفته می شود، فقر و جهل و فسق و شرک و کفر را نمی تواند تحمل کند. او در خود و در اجتماع، در پی این ارزش های بالاتر می گردد و برای این ارزش های مقدس مجبور است که طراحی کند.

۳. تجزیه هدف

بهترین کار برای رسیدن به هدف و برداشتن موانع، تقسیم آن هاست؛ یعنی باید نیازها، مسایل، مراحل و موانع را شناسایی کرد. هم چنین باید به جای نشستن و حسرت خوردن، حرکت کرد تا راه رسیدن به هریک از مقدمات و مراحل را شناخت و برای درگیری با مانع ها آماده شد.

هنگامی که هدف های بزرگ تجزیه می شوند، راحت و آسان خواهند شد و هدف های کوچک هنگامی که خرد نشوند، ناممکن و محال جلوه می کنند.

۴. ابتناء بر فقه و آگاهی

اکنون این طرح و تقدیر، انسان منتظر را از پراکنده کاری و دوباره کاری و خراب کاری، نگه می دارد؛ چون کارهای پراکنده در طرح،

جان گرفته، به سوی هدف، هماهنگ گردیده، از فقه و آگاهی، برکت می گیرد.

قرآن مجید به عواملی اشاره می کند که با همراهی آن ها، انسان منتظر در برابر دشمن _ هرچند ده برابر باشد _ نه تنها مقاوم، که پیروز می گردد. قرآن به ما می آموزد که همراه عناصری بر دشمن غلبه خواهید یافت. آن گاه در بیان علتش می فرماید: ((بأنهم قوم لایفقهون))؛(۱) چون آن ها بینشی ندارند.

پس عنصر فقه همراه عناصر صبر، تجمع و ایمان مؤمن منتظر را در برابر دشمن که ده برابر اوست، می تواند به پیروزی رساند.

د. توانمندی در عمل

اشاره

در مرحله عمل، به دو عامل دیگر نیاز است که در روش تربیتی انبیا از آن سخن به میان رفته است؛ ((لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان)). (۲) همه انبیا افزون بر بینات، همراه با کتاب و میزان بوده اند. در بینش دینی، افراد نه با عمل که با بینش شان از یک عمل، به ارزش می رسند. در بینش اسلامی، همه مسئول هستند؛ کلّکم راع و کلّکم مسؤول عن رعیّته. (۳)

انجام دادن چنین مهمی، به دو عامل دیگر نیازمند است، کتاب و میزان؛ یعنی با کتاب، به ضابطه ها برسد و دستورها را بشناسد و

۱- انفال(۸): ۶۵.

۲- حدید(۵۷): ۲۵.

۳- ارشاد القلوب، ص ۱۸۴؛ تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۶.

هنگام تزاحم دو دستور، با میزان ها و معیارها، از بن بست بیرون بیاید.

۱. کتاب

منظور از کتاب، همین قرآن، تورات و انجیل نیست و این پیداست که همه انبیا، صاحب کتاب هایی مثل تورات و انجیل و زبور و قرآن نبوده اند. این کتاب همان ضابطه ها و دستورهای مکتوب است؛ ((کتب علیکم الصیام))(۱) و ((کتب علیکم القتال)). (۲)

منتظر مؤمن که خودش را در دنیای رابطه ها می بیند و در میان نظام، علیتی و علمی می شناسد، این گونه نمی تواند اقدام کند، بلکه برای هر رابطه، به ضابطه و دستور نیاز دارد؛ چون از انسان، نه تنها از عبادالله و بلادالله، بلکه از بیابان ها و چهارپایان هم سؤال می شود. (۳)

۲. میزان

به اندازه تمامی پدیده ها، تکلیف و حکم هست. این تکالیف خود با هم تعارضی ندارند، ولی مسأله آن جا سبز می شود که این ها در یک زمان به سراغ تو بیایند. اگر در یک زمان محدود با تمامی این دستورها، روبه رو شوی، چه می کنی؟ آیا به کاری می پردازی و بقیه را می گذاری یا غصه کارهای مانده را بر دلت بار می کنی یا در هنگام تزاحم، دنبال معیار و میزان می گردی؟ این میزان ها عبارت است از:

ص:۴۴

۱- بقره(۲): ۱۸۳.

۲- نساء(۴): ۷۷.

۳- «اتقوا الله فی عباده و بلاده فانّکم مسؤولون حتّی عن البقاع و البهائم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷).

أ. توجه به عامل، جهت و اثر عمل

برای فهم حکم و حقیقت آن، توجه به امور پیش گفته لازم است. بدین سبب، مؤمن منتظر در حکمی که می شنود و عملی که می خواهد بیاورد، باید به این میزان ها توجه کند که چه عاملی او را وادار می کند و چه جهتی او را می خواند و این عمل سازنده تر است یا عمل دیگر.

ب. اهمیت، صعوبت و مخالفت هوس

هنگامی که به دو کار برخورد می کنی، نگاه کن که خدا کدام یک را بهتر می پسندد و کدام یک اهمیت بیش تری دارد. اگر در نظر خدا برابر بودند، ببین کدام بر تو سخت تر است. آن چه سخت تر است، سازنده تر خواهد بود؛ أفضل الأعمال أحمزها. (۱)

آن جا که در صعوبت با هم یکسانند، معیار مخالفت با هوس در میان است. امام علی علیه السلام در شمارش خصلت های برادرش می فرماید:

و کان اذا بدهه أمران ینظر أیُّهما أقرب الی الهوی فیخالفه. (۲)

آن جا که با دو کار ناگهانی روبه رو می شد، او مسلط بود، به هوا نزدیک تر بود، با آن مخالفت می کرد و آن را کنار می زد.

آن چه گفتنی است: این میزان حساب شده است؛ چون کاری که بر تو فشار بیش تری می آورد، به تو قدرت بیش تری خواهد داد و تو را به معراج بالاتری خواهد رساند.

۱- بحارالأنوار، ج ۷۰، ص ۱۹۱؛ مجمع البحرین، ج ۴، ص ۶.۱.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۸۹.

ج. اصول عملیه (برائت، استصحاب، احتیاط، تخییر)

مؤمن هیچ گاه بن بستی ندارد؛ چون اگر در مقام عمل دچار شک شود، اصول عملیه در این گونه موارد راه گشاست و این از بزرگ ترین نعمت های اصول اسلامی است و ما از آن غافلیم. چون جایگاهش را نمی دانیم و فقط در احکام از آن استفاده می کنیم.

۳. آسیب های عمل

از کتاب و میزان که بگذریم، در مرحله عمل به آفات عمل نیز باید توجه شود؛ چون مؤمن منتظر، ممکن است در مرحله عمل با آفت هایی روبه رو شود و تمام آن چه را به دست آورده، چون شیطان یک جا از دست دهد. برای این که منتظر در مرحله آمادگی عملی، از آفات مصون بماند، به نکات زیر نیز باید توجه داشته باشد:

۱. مبنای عملش جوّ و روح جمعی و چشم و هم چشمی نباشد، بلکه شهادت و دیدار آتش و بهشت باشد؛ مؤمن شغل من الجنه و النار أمامه. (۱) هر کلمه و هر حرکت او یا به آتش یا به بهشت راه دارد؛ با این شناخت مشغول می شود و از آفت توقع مزد و سپاس از دیگران رها می شود و تا حد ایثار حرکت می کند و تازه خود را بدهکار هم می داند.

۲. منتظر عمل را جدا از حجم و مقدارش با توانایی خود باید بسنجد، نه با دارایی ها. زیرا: ((لیس للانسان الا ما سعی)). (۲) با شناخت خصلت های عمل؛ یعنی سعی در زیاد شمردن کارهای

ص:۴۶

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۶.

۲- نجم(۵۳): ۳۲.

خوب و کم دیدن کارهای شر، رهایی می یابیم. چون خیری که زیادش می بینی، عقیم می ماند و شرّی که اندکش می شماری، فزونی می یابد. باید به عکس رفتار کرد تا خیرها زیاد شوند و شرها عقیم بمانند. (۱)

۳. عمل منتظر در زمان و مکان مناسب باید انجام گیرد، چون درست است که توّابین خون های خود را در راه امام حسین علیه السلام دادند، اما اگر این خون ها در روز تاسوعا به حسین می رسید، شاید عاشورایی پیش نمی آمد؛ ((سارعوا الی مغفره من ربّکم)). (۲)

۴. منتظر از افراط و تفریط باید بپرهیزد و از سنت جدا نشود؛ لا نیه الاّ باصابه السنّه. (۳)

۵. جهت و هدف عمل منتظر باید مشخص باشد؛ من أبدی صفحته للحق هلك؛ (۴) کسی که رودرروی حق حرکت کند، نابود می شود.

۶. منتظر به ظاهر عمل خود مغرور نشود که ارزش عمل متناسب با نیت است؛ حاسبوها قبل أن تحاسبوا(۵)، نه حاسبوا أعمالکم؛ یعنی نیت های خود را محاسبه کنید.

ص:۴۷

۱- «... و استقلال الخیر و ان کثر من قولی و فعلی و استکثار الشر و ان قلّ من قولی و فعلی» (مفاتیح الجنان، دعای مکارم الاخلاق).

۲- آل عمران (۳): ۱۳۳.

۳- تحف العقول، ص ۴۳.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۶.

۵- نهج البلاغه، خطبه ۹۰.

فصل چهارم: مبادی انتظار

اشاره

ص:۴۹

انتظار مورد بحث ما، با انتظاری که یک اصل مسلّم، در میان همه مدعیان نبوت مطرح است (فوتوریسم)(۱) فرق می کند. همه آنـان، در انتظـار یـک وجود فرابشـری انـد که در آخرالزمان ظهور کرده، نظم و عـدالت را به جهان باز خواهـد گردانـد؛ حتی هندی ها و اقوامی که هیچ وابستگی به امر قدسی ندارند، منتظر یک تحوّل جدید هستند.

امـا حقیقت انتظار در انـدیشه و فرهنگ شـیعه، به نیاز و اضـطرار ما به موعود؛ کسـی که همه دین را در دل خودش دارد، تعبیر می شود. باید نسل معاصـر خود را با این حقیقت آشنا کنیم که ما نیازمند طلایه داری هستیم که با وحی پیوند دارد؛ مخصوصاً در این زمان که انسان به قدرت های خودش نزدیک شده، بن بست ها و شکست ها را هنوز حس نکرده است، او دوری راه و سختی آن را هنوز باور نکرده است و فکر می کند که تجربه و علم و عقل و عرفانش بس است می کند.

این نگاه ها هم در اصل دین، هم در مبلغ و حامل آن (رسول

۱- فوتوریسم (Fotorism) یعنی، اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی و مصلح جهانی.

خدا صلی الله علیه و آله و سلم) هم در حافظ دین (ولی معصوم علیه السلام)، تلقی ما از انتظار را به اضطرار و احتیاج به مهدی موعود، پیوند می زند و در نتیجه مبادی دیگری برای انتظار باید رقم زد.

یکم. بحران ها

بشر بحران زده این عصر، به جهت تشنگی فراوان روحی برای دستیابی به پایگاهی استوار و جاوید، هر روز به سویی سرمی کشد؛ لیکن چون به سرچشمه حیات دست نمی یازد، به مرداب ها و باتلاق ها می رسد که نه تنها تشنگی او را رفع نمی کند، بلکه بر بیماری های روحی و جسمی او می افزاید.

اندیشه «مصلح جویی» را نتیجه اضطراب و خستگی از اوضاع مسلّط بر جهان می توان دانست که متفکران تهی از معنویت را، به سمت ارائه نظریه ها یا اندیشه های نوین، برای دگرگون کردن این اوضاع فاسد کشانده است.

این بحران ها و بن بست ها، توده مردم را به ستوه آورده است؛ چنان که بارها، با فریاد اعتراض خود،(۱) راه گریز از وضعیت فعلی را انتظار می کشند. بنابراین «انتظار» در بحران ها، ظلم و ستم ها، جهل و نادانی ها و فریب و رنج و فقر می تواند ریشه داشته باشد.

۱- مجله نیوزویک ۲۳، News Week آگوست ۱۹۹۹ در یک گزارش ویژه، جمله بسیار مهمی دارد What Must Be Done? (چه باید کرد؟) انسان به بحران رسیده و انسانی که به بحران برسد، ناخودآگاه چشمش به آسمان و آینده است (به نقل از ماهنامه موعود، سال پنجم، شماره ۲۵).

این بحران ها یکی از اساسی ترین ریشه های «انتظار» در توده مردم است. سوگمندانه باید گفت که پیشرفت علوم طبیعی در جهان کنونی، نه تنها سبب انحطاط اخلاق و تحقیر انسانیت در جوامع بشری شده است؛ بلکه اصل حیات و بقای نسل بشر را در روی کره زمین به خطر افکنده است.

از طرف دیگر، درهای امید برای نجات از وضع کنونی بسته شده است و سازمان هایی که بدین منظور پدید آمده اند، کارآیی لازم را ندارند و ابزار دولت های بزرگ شده اند. تنها روزنه امید برای خروج از این نابسامانی ها، یک انقلاب همه جانبه و ظهور «مصلح و منجی» جهانی است.

دوم. ساختار وجودی انسان و جهان متحوّل

ساختار وجودی انسان، به شکلی است که اگر تمامی لذت های دنیا را هم به او بدهند و به تمامی آرزوهای مادی خود برسد، آرام نمی گیرد و وجود او پر نمی شود. زیرا دل آدمی بزرگ تر از رحم دنیاست و با این امور محدود لبریز نمی شود.

داستان بن بست و کمبود معنویت انسان قرن بیست و یکم نیز بیانگر همین حقیقت است. بسیاری از دانشمندان غربی اعتراف می کنند که امروز دنیا به خستگی رسیده است... یکی از ویژگی های لذت جسمی، این است که انسان پس از مدتی به خستگی می رسد. در آمریکا اعلام شد: می خواهیم تظاهرات کنیم برای این که خدا

بر گردد. (۱)

این ویژگی انسان، او را با عالم دیگر پیوند می دهد و ایمان به غیب و گرایش به ماورای حسّیات را برای او به ارمغان می آورد. انسان وقتی ارزش وجودی خود را دریافت یا احتمال داد که دنیاهای گسترده تری وجود دارد؛ احساس تنگنا می کند. با این شناخت است که دنیا زندان مؤمن می شود. چنان که امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه متقین به این نکته اشاره فرموده است: «آنان با سرپوش اجل در دنیا نگه داشته شده اند». (۲)

آب درون ظرف، وقتی حرارت می بیند و ناخالصی هایش جدا می شود، سبک شده، بخار می گردد. اگر درپوش ظرف نباشد، پرواز می کند. آدمی نیز این چنین به پرواز درمی آید و این بزرگی روح، به جهت ایمانی است که او را با عالم دیگر پیوند داده است.

دنیا برای او تنگ است، اما برای کافر بزرگ و بهشت است. چون چیز دیگری نمی خواهد؛ لیکن برای مؤمن زندان است(۳). چون به وسعت رسیده، دنیا، پیش او جز متاعی اندک چیز دیگری نیست.

انسان، همواره کنجکاو و پرسش گر است و این از خصوصیات فطری و ذاتی اوست. کودکان از بس می پرسند، اطرافیان را خسته

۱- ماهنامه موعود، سال پنجم، شماره ۲۵.
۲- «لولا الأجل الذی کتب اللّه علیهم لم تستقرّ أرواحهم فی أجسادهم...» (نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۹۳).
۳- «الدّنیا سجن المؤمن و جنّه الکافر» (من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۳، ح ۵۷۶۲).

می کننـد؛ در حـالی کـه پرسـیدن را کسـی به آنـان یـاد نمی دهـد. این ویژگی در درون آدمی است؛ او می خواهـد به عـوالم دیگرراه پیـدا کنـد. پیشـرفت هـای علمی و فضـایی قرن حاضـر، به جهت همین حس کنجکاوی و ویژگی پرسـش گری انسان است.

گویا آدمی مدام به دیوار می کوبد تا از آن طرف دیوار با خبر شود و از حصار دنیا رهایی یابد.

در اندرون من خسته دل ندانم چیست

که من خموشم و او در فغان و در غوغاست(۱)

وقتی نگاه انسان به دنیا، تغییر کرد و دنیاهای آینـده را با تمام وجود طلبیـد؛ به دنبال شخصـی می گردد که او را به آن سامان، ره نمایـد. او منتظر و نیازمنـد وجودی است که وی را بـا خود، به بلنـدای روح انسـانیت ببرد. این انسان، به رغم برخورداری از رفـاه، عـدل ظاهری و... باز منتظر است؛ چون دو عنصـر او را در التهاب و بیقراری نگه می دارد: ترکیب وجودی انسان؛ جهان متحوّل و چهار فصل.

رشـد سـریع اسـلام در اروپـا و سـایر کشورهای غربی، با وجود برخورداری از امکانات مـدرن، از همین ویژگی خبر می دهـد. احساس غربت ناشـی از زندگی صـنعتی، در مقابل معنویت و صمیمیت دین، سبب شده تا انسان مجهّز به تکنیک و فن آوری، با مـذهب پیونـد بخورد. زیرا علم و دانش هرچند بسـیاری از سؤالات انسان را پاسـخگوست و قدرت و صـنعت هم امکانات و رفاه را برای آدمی به ارمغان می آورد، اما انسان با این امکانات زودتر به بن بست می رسد.

۱- حافظ.

وی قبل از رسیدن به این امکانات، خیال می کرد با آن ها به آرامش می رسد و با این آرزو تا مدتی دلخوش بود؛ اما با دست یافتن به رفاه، در واقع به آخر خط رسیده است. چون احساس غربت و تنهایی او بیشتر شده، فریاد اعتراض انسان معاصر بلندتر از دیروز به گوش می رسد.

اوژن یونسکو، نویسنده ای که با نوشتن نمایشنامه های پوچی مثل کرگدن و آوازه خوان طاس شهرت یافت، در آخرین مصاحبه اش می گوید:

... حقیقت این است که ادبیات دیگر چیز مهمّی به من نمی گوید... من یک عمر به نوشتن نمایشنامه، پشت نمایشنامه ادامه دادم. چون کار دیگری نمی توانستم بکنم؛ اما همیشه حسرت این را داشتم که کاش توانسته بودم کار دیگری بکنم... کاش استعدادش را داشتم که راهب بشوم... تنها یک امید باقی می ماند، روز رستاخیز. (۱)

ناتانیل براندون درباره همین پوچی و کمبود معنوی می نویسد. او نخست مردی را وصف می کند که جذّاب، چهل ساله، با حرارت و پرانرژی، شیک، خوشگذران و متجدد است. از مسافرت ها و عیاشی هایش تعریف می کند، اما ناگهان با همه توصیف ها، درخواست گفتوگویی خصوصی و صمیمانه را می کند و می گوید: ناتانیل! من می خواهم هر طور هست، با تو مطلبی را در میان بگذارم. می خواهم

ص:۵۵

۱- از پوچی تا خدا، ترجمه سعید شهرتاش (به نقل از انتظار و انسان معاصر، عزیز الله حیدری).

یک روز ناهار را با هم بخوریم، تا پیش تو درد دل کنم. من این کمبود درونی خود را نمی توانم تحمل کنم. سپس دستش را روی سینه گذاشت و گفت:

این درون، از همه چیز تهی است، هیچ چیز در این سینه نیست، نه احساس و نه هیچ چیز دیگری، زبانم از گفتن قاصر است. بیان کردنی نیست، نمی دانم چگونه آن را شرح دهم.... (۱)

سوم. ناتوانی مدعیان اصلاح

آدمی از گذشته تا کنون، همواره در فکر اصلاح جوامع بشری بوده، راه های بسیاری را برای رسیدن به آن پیش نهاده است؛ اما آن چه نصیب وی شده، کابوس وحشتناک یأس و ناامیدی است. افلاطون، جامعه ایده آلی را طراحی کرد که در آن، نه از ستم اثری است، نه از فقر و بدبختی؛ غایت نظام سیاسی او، پیدایش مدینه فاضله است.

توماس کامپانلاـ طرح شهر آفتاب و کشور خورشید؛ ویکتور هوگو اندیشه جمهوری جهانی، آگوست کنت ایجاد جامعه تئوکراتیکی را که در آن هیئتی از عقلاـ حکومت می کنند، پیشنهاد کرده اند. تامس مور نیز «بهشت»ی را ترسیم کرده که برای رسیدن به همان جهانی است که همه مردم آن، در سایه قانون و عدالت، یکسان زندگی می کنند. (۲)

۱- انسان بدون خویشتن، ترجمه جمال هاشمی، ص ۲۷ و ۲۸ (به نقل از انتظار و انسان معاصر، عزیز الله حیدری).
۲- ر.ک: موج انتظار، صص ۱۴۱، ۱۴۳.

آلوین تافلر، مشاور سیاستمداران آمریکا برای حل این بحران و اصلاح جامعه جهانی، نظریه موج سوم(۱) را طرح کرده است؛ ولی در عین حال اعترافات شگفت آوری در این زمینه دارد:

فهرست مشکلاتی که جامعه ما (غرب) با آن روبه روست، تمامی ندارد. با دیدن فروپاشی پیاپی نهادهای تمدن صنعتی در حال نزاع به درون غرقاب بی کفایتی و فساد؛ بوی انحطاط اخلاقی آن نیز مشام را می آزارد. در نتیجه موج ناخشنودی و فشار برای تغییرات، فضا را انباشته است.

در پاسخ به این فشارها، هزاران طرح ارائه می شود که همگی ادعا دارند بنیادی، حتی انقلابی اند؛ اما بارها و بارها، مقررات و قوانین، طرح ها و دستورالعمل های جدید _ همگی به منظور حل مشکلات تهیه شده اند _ کمانه می کنند و بر وخامت مشکلات می افزایند و این احساس عجز و یأس را دامن می زنند که هیچ فایده ای ندارد و مؤثّر نیست.

این احساس برای هر نظام دموکراسی خطرناک است و نیاز شدید به وجود مرد سوار بر اسب سفید ضرب المثل ها را هر چه بیش تر دامن می زند. (۲)

بنابراین، عامل سوم انتظار، نارسایی و ناتوانی در کسانی است که ادعای اصلاح دارند؛ اما در زمینه شناخت آدمی و مشکلات او

۱- ایشان معتقد است تا به حال دو انقلاب کشاورزی و صنعتی تحول عظیمی در جهان پدید آورده است و موج سوم، انقلاب الکترونیکی و فراصنعتی، در راه است.

۲- به سوی تمدن جدید.

ناتوان اند و در اندیشه های خود، به یک نژاد برتر معتقدند و ملت های دیگر را فراموش می کنند.

وقتی انسان، این مدعیان ناتوان را می بیند و عجز و محدودیت آنان را حس می کند، تجربه جدیدی از انتظار می یابد. گویا این عبارات جان تازه ای می گیرد:

وقتی مهدی فاطمه ظهور کند، زمین از عدل و داد پر می شود، همان گونه که از ظلم و جور پر شده بود.

چهارم. ملاقات ها و راهنمایی ها

روی بنما و وجود خودم از یاد ببر

خرمن سوختگان را همه گو باد ببر(۱)

عامل چهارم انتظار، در ملاقات ها و هدایت های او در برهه های مختلف زمان، متبلور است. او همچون فرشته ای مهربان و راهنمایی دلسوز افرادی را انتخاب و از جام ملاقات، سرشار می سازد. مشکلات و گرفتاری های عده ای نیز با توسّل به آن حضرت به شکل معجزه آسایی حل می شود. این گونه برخوردها بدین جهت است که در عصر حاکمیت غفلت و بی خبری، ریشه های انتظار تقویت شود.

اصولاً این سنّت الاهی است که در متن سرگرمی ها و لهو و لعب ها، آهنگ بیداری و نوای هدایت نواخته می شود؛ مثلاً در زمان انکار قیامت «عُزَیر» پیامبر صد سال به خواب می رود و دوباره بیدار می شود یا داستان اصحاب کهف رخ می دهد تا به رگ های بی رمق جامعه آن روز روح تازه ای دمیده شود و انسان ها، از نعمت هدایت

۱- حافظ.

بهره مند شوند.

امروز نیز دعوت ها و هدایت های بیشماری از سوی حضرت ولی عصر علیه السلام، با همین انگیزه صورت می گیرد؛ حتی گرفتاری ها و بلاها نیز به طور مستقیم یا غیر مستقیم(۱) یا به وسیله دعاای آن حضرت برطرف می شود. (۲)

اصولاً بهره بردن از آن حضرت در دوره انتظار، دلیل دیگری بر حضور صاحب عصر و تقویت ریشه های انتظار است؛

الانتفاع بی فی غیبتی فکالانتفاع بالشّمس اذا غیّبها عن الأبصار و السحاب؛(۳)

بهره بردن از من در عصر غیبتم مانند بهره بردن از آفتاب است هنگامی که زیر ابرها باشد.

حضور حضرت مهدی علیه السلام در میان مردم، خود گواه روشنی بر این مدعا است؛

... أن یکون صاحبکم المظلوم المجحود حقّه، صاحب هذا الامر یتردّد بینهم و یمشی فی أسواقهم و یطأ فرشهم و

۱- در توقیعی که برای شیخ مفید صادر شده، آمده است: «انّا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم و لولا ذلک لنزل بکم الّأوا و اصطلمکم الأعداء؛ ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده، شما را از یاد نبرده ایم، وگرنه دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان بر شما چیره می شدند» (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶).
۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱.
۳- «أینَ المضطرّ الذی یجاب اذا دعا» (مفاتیح الجنان، دعای ندبه).

لایعرفونه حتی یأذن اللّه أن یعرّفهم نفسه...؛(۱)

... صاحب این امر در میان مردم راه می رود، در بازارهایشان رفت و آمـد می کند، و روی فرش هایشان گام می گذارد؛ ولی او را نمی شناسند، مگر این که خداوند به او اجازه دهد تا خودش را به آنان بشناساند.

حضور همیشـگی حضـرت ولی عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز در موسم حج، دلیل روشنی بر آگاهی ایشان از احوال مسلمین است. (۲)

از ادعیه، توقیعات، زیارت نامه ها و روایات، بر می آید که آن حضـرت عنایت خاصی نسبت به وضع شیعیان دارند. در توقیعی که برای شیخ مفید۵ صادر شده، آمده است:

فانّا نحیط علماً بأنبائکم و لایعزب عنّا شیء من اخبارکم؛(۳)

ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده نمی ماند.

حضرت در این دوران، تأثیر و نظارت مستقیمی بر احوال شیعیان

ص:۶۰

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۸۴؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۶؛ مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۷۵.
۲- «یحضـر الموسم کـلّ سـنه فیری النّـاس فیعرفهم و یرونه و لا یعرفونه؛ آن حضـرت هر سال در موسم حـج حضور می یابنـد، همگان را می بیند و می شناسد؛ اما دیگران او را می بینند، ولی نمی شناسند» (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۰).
۳- احتجاج، ج ۲، ص ۵۹۶.

دارند. دستگیری از درماندگان،(۱) راه یابی گمشدگان و... برخی از کارهای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که با هدف تقویت مبادی «انتظار» صورت می گیرد.

داستان های ملاقات و راهنمایی های مکرر در تاریکی های شبهات و ضلالت ها، با مردی که خصوصیات مهدی فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف را دارد، ریشه های انتظار را تقویت و کام تشنه عاشقان را آبیاری می کند. شاید در انتظار محبوب عارفان، به خود آیند و با ایجاد آمادگی و کوشش فراوان، لیاقت بهره مندی از حضرتش را بیابند. اکنون به ذکر یک نمونه ای بسنده می کنیم:

هنگامی که بحرین اسیر سرسپردگان استعمار بود و فرمانروایی ناصبی و وزیری متعصب بر گرده مردم سوار بود، وزیر حیله گر نقشه ای ریخت تا شیعیان آن سامان را ذلیل کند، اناری را به دست حاکم داد که به شکلی باور نکردنی واژه هایی بر آن نقش بسته بود (لا اله الاّ الله، محمد رسول الله، ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله).

فرمانروا در حالی که مقهور این داستان شده بود و دست آویز خوبی برای خواری شیعیان به دست آورده بود، از وزیر نظرخواهی کرد و او که منتظر چنین لحظه ای بود، گفت: بزرگان شیعه را حاضر می کنیم و معجزه را به آن ها نشان می دهیم؛ اگر قبول کردند که از مذهب خود دست می کشند، و گرنه آن ها را در انتخاب سه چیز مخیر

۱- برای مطالعه در این زمینه ر.ک: توجهات ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به علما و مراجع ؛ سیمای آفتاب ؛ ظهور مهدی از دیدگاه اسلام.

می کنیم: پاسخی قانع کننده بیاورند، جزیه بدهند و یا مردانشان را می کشیم و زنان و فرزندانشان را اسیر می کنیم و اموالشان را به غنیمت می بریم.

دانشمندان شیعه را احضار کردند و با طرح مسئله، از آن ها جواب طلبیدند. آنان نیز سه روز مهلت خواستند و پس از گفتوگوهای بسیار از میان خود ده نفر و از میان آن ده نفر سه نفر از بهترین ها را برگزیدند و هر شب یکی از آن ها برای حل ماجرا روانه بیابان شد.

دو شب گذشت، دو نفر رفتند و بی جواب برگشتند تا نوبت به نفر سوم رسید که از همه پرهیزکارتر بود. این گل سرسبد همین که به صحرا رسید، با گریه و زاری از حضرت درخواست کمک کرد. چون آخر شب شد، شنید مردی خطاب به او می گوید:ای محمد بن عیسی! چرا تو را به این حال می بینم و چرا به سوی بیابان آمدی؟ محمد بن عیسی از او می خواهد که وی را رها کند و به حال خود واگذارد.

آن مرد می فرماید: ای محمد بن عیسی! منم صاحب الزمان، حاجت خود را بازگو. محمد در حالی که اشکش جاری شده بود و شوق و التهابش به جایی رسیده بود که خود را نمی شناخت، از او پرسید: اگر تو صاحب الزمانی داستان مرا می دانی و به گفتن من نیازی نیست.

آن مرد فرمود: راست می گویی، سپس افزود:ای محمد بن عیسی! در خانه آن وزیر درخت اناری است. هنگام میوه دادن درخت، او از گِل قالبی به شکل انار ساخت، آن را نصف کرد و در میان آن، این جمله را نوشت سپس قالب را به روی انار کوچک، گذاشت و آن را

بست. چون انار در میان آن قالب بزرگ شد، آن واژه ها بر روی آن نقش بست.

فردا نزد فرمانروا می روی و به او می گویی که من پاسخ تو را در خانه وزیر می دهم. چون به خانه وزیر رفتید، پیش از وزیر به فلان جا برو. کیسه سفیدی خواهی یافت که قالب گِل در آن است، آن را به فرمانروا نشان ده. همچنین به فرمانروا بگو: معجزه دیگر ما این است که چون انار را دو نیم کنید، جز دود و خاکستر چیزی در آن نیست.

محمد بن عیسی ناگهان خود را در صحرا تنها دید و پس از تأمّلی به خود آمد و از هجران امام غمگین شد، اما با شادمانی به نزد شیعیان بازگشت. روز دیگر، آنان پیش فرمانروا رفتند و هر آنچه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده بود، آشکار گشت. فرمانروای بحرین با دیدن این معجزه شیعه شد و دستور داد وزیر حیله گر را اعدام کردند. (۱)

پنجم. بشارت ها

یکی از عواملی که سبب آمادگی و عامل حرکت و پویایی است، بشارت هایی است که آدمی را به آینده امیدوار می سازد و چشم به راهی، لحظه شماری به همراه کار و حرکت و تلاش را به او ارزانی می دارد؛ اساساً داشتن تصویری از آینده ــ هر چند مبهم و مجمل باشد ــ این خاصیت را دارد که زندگی انسان را هدفمند ساخته، او را از پوچی و سرگردانی نجات می دهد.

اصولاً آینده شناسی، در پرتو پیش بینی های دینی روشن می شود.

۱- نجم الثاقب، ص ۳۱۴.

این تجربه مکرر آدمی است. در طول تاریخ، پیامبران الاهی پیش گویی هایی داشته اند که همه به حقیقت پیوسته است. این پیش گویی ها بود که سلمان های تاریخ را به انتظاری پویا و حرکت آفرین کشاند؛ چنان که وی را از خانه و خواب و راحت و آسایش جدا ساخت و سرانجام به آغوش حقیقت و به نقطه اوج رشد و آگاهی رساند. (۱)

این سنت تغییرناپذیر الاهی است که با بشارت هایش، همیشه انسان ها را از رکود، یأس و ناامیدی درآورده، به حرکت، تلاش و امیدواری سوق می دهد. وعده تحقق حکومت حق در این دوران بشارت داده شده، در این زمینه آیات بی شماری نازل شده است. قرآن مجید می فرماید:

((و لقد کتبنا فی الزّبور من بعد الذّکر أنّ الأرض یرثها عبادی الصّالحون))؛

۱- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «کان سلمان رحمه الله .... امام صادق علیه السلام فرمود: سلمان نزد بسیاری از دانشمندان رفت. آخرین نفری که نزد او رفت، أبی بود. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظهور کرد، او به سلمان گفت: آن رفیقت که در موردش جستوجو می کنی، در مکه ظهور کرده است. سلمان بلافاصله با شنیدن این سخن به آن سمت شتافت» (کمال الدین، ج ۲، باب ۶۲، ح ۶).

ما در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشته ایم که سرانجام، زمین را بندگان شایسته ما به ارث می برند [و بر کره زمین حاکم می شوند]. (۱)

این آینده شناسی، انتظار را به ارمغان می آورد و به همین دلیل در قرآن آمده است: ((فانتظروا انّی معکم من المنتظرین))(۲).

افزون بر آن، در روایات بی شماری به این بشارت ها اشاره و بدان دستور داده شده است: انتظروا الفرج و...أفضل عباده المؤمن انتظار فرج اللّه.(۳)

۱- انبیاء (۲۱): ۱۰۵. طبق فرموده امام باقر علیه السلام بندگان شایسته ای که وارثان زمین می شوند، اصحاب مهدی علیه السلام در آخرالزمان هستند؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶.

۲- محمد بن ابی نصر از حضرت رضا علیه السلام نقل می کند چه نیکوست صبر و انتظار فرج، آیا این سخن الاهی را شنیده ای: مراقب باشید که من هم با شما مراقبم، پس منتظر باشید که من هم با منتظرانم. پس بر شما باد صبر. زیرا فرج در حال یأس فرا می رسد (تفسیر برهان).

۳- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱.

فصل پنجم: بایسته های انتظار

اشاره

ص:۶۷

حرکت، ره آورد طبیعی انتظار است. آنـان که عظمت درونی خویش را یـافته انـد، آنان که ابراهیم گونه سـرود: ((إنّی ذاهب إلی ربّی سیهدین))(۱) را سـر می دهند، آنان که فرجام هدایت آمیز حرکت و تلاش را می دانند، وه چه شـیرین، جرعه جرعه از هدایت های مستمر حق بهره مند می شوند.

آنان، با تمام وجود، روی خود را به آسـمان دوخته، نـدای: ((إنّی وجّهت وجهی للّذی فطر السّـماوات والأرض))(۲) را زمزمه می کنند و این گونه ظهور هادی امّت را به انتظار می نشینند.

اصولا، کسـی که در انتظار است، بی تفاوت و بی خیال نیست. حضـرت یعقوب علیه السلام منتظر یوسف علیه السلام بود، ولی بیکار نبود. به فرزنـدانش گفت: برویـد و به دنبال یوسف و برادرش بگردیـد و از روح و رحمت خـدا ناامید نشوید».(۳) همین تعبیر در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شده

ص:۶۸

۱- صافات(۳۷): ۹۹.

۲- انعام(۶): ۷۹.

۳- ((یا بَنِی اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ یوسُفَ وَأَخِیهِ وَلَا تَیْئَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا ییئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ)) (یوسف(۱۲): ۸۷).

است: «منتظر فرج باشید و از روح و رحمت خدا ناامید نشوید.»(۱)

بنابراین، فرزنـدان انتظار، آداب و وظایفی را دنبال می کنند؛ چون، این خاصـیّت انتظار است که بر حالت و رفتار و عمل منتظر اثر می گذارد. اکنون به شماری از این وظایف اشاره می شود:

یکم. اقبال

اشاره

آنـان که از تـدبّر بهره گرفته انـد، از کنـار حـادثه های پیش پا افتاده، به سادگی نمی گذرنـد. زیرا دریافته انـد که در کنار هر اتّفاقی هر چنـد کوچک، درسـی و اندرزی وجود دارد. امام کاظم علیه السـلام هم به این مسـئله اشاره دارند: ما من شـیء تراه عینک إلّا و فیه موعظه؛(۲) آن چه را چشمان تو می بیند، موعظه و پندی در آن، است.

آنـان که به زنـدگی خود و دیگران توجّه ویژه ای دارنـد، دست هـدایت مهـدی فـاطمه علیها السـلام را در هـدایت خودشان و دیگران، به خوبی می بیننـد و مساعـدت های پیـدا و پنهان محبوب را لمس، و حضور مهربان او را حس می کنند. آنان، به او، رو می آورند، صدایش می زنند و می خوانند: إنّا توجّهنا واستشفعنا و توسَّلنا بک إلی الله.... (۳)

ص:۶۹

۱- «انتظروا الفرج فلا تیأسوا من روح اللّه» (بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳).

۲- أمالی، صدوق، ص ۵۹۹ ؛ بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۳۲۴، ح ۱۴.

۳- مفاتیح الجنان، دعای توسل.

مفهوم اقبال

در مفهوم اقبال و رو آوردن، دو نکته نهفته است:

معنای نخست؛ رو آوردن و دل دادن به محبوب است، به خاطر بزرگی و جمال و هیبت و شعور و یافتن تمامی خواسته ها و آرزوها در وجود او، تا بدین وسیله از منش او پیروی کند و راه های پر پیچ و خم را با او به سر منزل مقصود برساند. (۱)

رویکرد به مهدی، این معنا را با خود دارد. در رسیدن به این هدف، چند عنصر نقش دارد: شناخت؛(۲) تجربه محبّت و عنایت، تجربه ضعف ها و محدودیّت ها در دیگران؛ تجربه بن بست ها و احساس تنگناها.

أ. شناخت

اقبال قلبی، از شناخت و احساس محبّت مایه می گیرد. از این رو، مهم ترین وظیفه ای که هر شیعه منتظر بر عهده دارد، کسب معرفت نسبت به وجود مقدّس امام و حجّت زمان خویش است. این موضوع، تا

ص:۷۰

۱- مسئله اقبال و ارتباط بر قرار کردن با حضرت، از چنان اهمّیتی برخوردار است که به آن امر شده است؛ ((یا أیهّا الذین ءامنوا اتقوا و صابروا و رابطوا)) (آل عمران(۳):۲۰۰). امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: «پایداری کنید بر ادای واجبات و در برابر دشمنان استقامت بورزید و با امام خود پیوند برقرار کنید» (التحصین و صفات العارفین، ص ۳۳ _ ۵۲).

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ باتَ لیلةً لایعرف فیها إمامَ زمانه مات میته جاهلیه؛ هر کس شبی را سپری کند و در آن شب، امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است» (الغیبه، نعمانی، ص ۱۲۷، ج ۱).

بدان درجه از اهمّیّت است که در روایات بسیاری، اعم از شیعه و سنّی، مطرح شده است.

ب. تجربه محبّت و عنایت از محبوب و ضعف و محدودیّت از دیگران

آنان که در این هستی، محبوب ها و رهبران دیگر را آزموده انـد و به ضـعف ها و محـدودیّت ها و پَستی ها و زشتی های آنان آگـاه شـده انـد، وقتی از زبـان وحی می شـنوند: «ولی ما، به ما، از خودمان مهربان تر و آگاه تر است»(۱)، تمـام توجهش به او معطوف می شود تا جایی که در کوچک ترین رفتارش، حتّی در صدقه دادن،(۲) او را بر خودش پیش می اندازد و قبل از این که به سلامتی خود فکر کند، تندرستی و رفع بلا از او را خواهان است تا جایی که او را بر وجود خود حاکم می کند و

ص:۷۱

۱- امام صادق علیه السـلام فرمود: «والله لأنا أرحم بكم منكم بأنفسـكم؛ به خدا سوگند! من نسـبت به شما، از خود شما مهربان ترم» (مکیال المکارم، ج ۱، ص ۹۳ _ ۹۴).

۲- سـید بن طاووس، به فرزنـد خود، درباره آداب و وظایف یک مسـلمان شـیعه نسبت به صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف چنین سـفارش می کنـد: «صدقه دادن از سوی آن حضـرت را پیش از صدقه دادن برای خودت و عزیزانت قرار ده، و دعا برای آن حضرت را مقدّم بدار بر دعا کردن برای خودت، و نیز در هر کار خیری که مایه وفا به حقّ آن حضرت است، آن بزرگوار را پیش انـداز، زیرا سـبب می شود که به سوی تو توجه فرماید و به تو احسان کند» (مکیال المکارم، ج ۲، صص ۲۸۸ _ ۲۹۷ و ۳۵۱ _ ۳۵۷).

نسبت به خودش اَوْلی می داند. (۱)

چگونه می شود آن مهربانِ غایب را دوست نداشت، در حالی که او، نسبت به ما، مهربان و سبب دفع بلاها و گرفتاری ها است(۲) و ایمنی بخش اهل زمین است(۳)و در غم ما، اندوهگینی، و از شادی ما، خرسند می گردد و در فکر وضعیّت شیعیان است، گرچه در مشرق یا مغرب زمین باشند. (۴)

۱- عن الحسین بن علی علیه السلام، قال، قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لعلی علیه السلام: «أنا أوْلی بالمؤمنین منهم بأنفسهم ثم أنتَ یا علی! اَوْلی بالمؤمنین من أنفسهم ثم... والحجه بن الحسن أوْلی بالمؤمنین من أنفسهم» (مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۹، ح ۵۱).

۲- «أنا خاتمُ الأوصیاء و بی یرفع الله البلاء عن أهله و شیعته؛ خدا، به سبب من، از خاندان و شیعیان ام بلا را دور می گرداند» (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵ و ۳۰).

۳- بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱؛ کمال الدین، ج ۲، باب ۵۰، ح ۴.

۴- امام رضا علیه السلام فرمود: «ما من أحد من شیعتنا... و لا تغتمّ إلاّ اغتممنا لغَمِّهِ ولایفرح إلاّ فرحنا لفرحه ولایغیب عنّا أحد من شیعتنا [ما] کان فی شرق الأرض و غربها، و مَنْ تَرک من شیعتنا دیناً فهو علینا؛ هیچ یک از شیعیان ما غمگین نمی شود، مگر این که ما نیز در غم آنان اندوهگین هستیم و از شادی آنان خرسند و هیچ یک از آنان در مشرق و مغرب زمین از نظر ما دور نیستند. هر یک از شیعیان ما که پس از مرگش بدهی داشته باشد، ادای آن بر عهده ماست» (مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۵۴).

ج. تجربه بن بست ها و احساس تنگناها

توجّه به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تجربه بن بست ها و احساس تنگناها را می خواهد. برای کسی که دنیا، هنوز وسعت دارد و به مال و ثروت و همسر و فرزند و... وابسته است، در خیمه مهدی فاطمه علیها السلام جایگاهی نیست.

باید دانست که اموال و اولاد، فتنه نیستند. وابستگی به آن ها فتنه است. مَثَل مال و انسان، مَثَل آب و کشتی است. اگر آب بیرون از کشتی باشد، وسیله خوبی برای حرکت کشتی است، امّا اگر داخل کشتی شود، سبب هلاکت است. مال هم اگر بیرون از دل باشد، مَرکبِ خوبی است، ولی اگر داخل دل باشد، سبب هلاک است. (۱)

اساساً، زهد آزادی است، آزادی از هر آن چه رنگ تعلّق به خود گیرد. حافظ می گوید:

غلام همّت آنم که زیر چرخ کبود

زهر چه رنگ تعلّق پذیرد، آزاد است

منتظر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آزادمردی است که دادن ها و گرفتن ها، در وجود او موجی پدید نمی آورد.(۲)

ص:۷۳

۱- سخنان استاد جوادی آملی در تفسیر آیه بیست و هشتم سوره مبارکه انفال: ((إنّما أموالکم وأولادکم فتنه)).
۲- علی علیه السلام می فرماید: «الزهد کلُّهُ بین کلمتین من القرءان. قال الله تعالی: لکیلا تأسوا علی مافاتکم ولاتفرحوا بما اتاکم ومَنْ لم یأس علی الماضی و لم یفرح بالآتی، فقد أخذ الزهد بطرفیه؛ زهد، در دو جمله از قرآن خلاصه شده: «متأسف نشوید بر آن چه از شما فوت می شود» و «شاد نگردید به آن چه به شما می دهند». هر کس بر گذشته اندوه نخورد و برای آینده و آن چه به دست می آورد، خوش حال نگردد، بر هر دو جانبِ زهد دست یافته است» (نهج البلاغه، ترجمه محمّد دشتی، حکمت ۴۳۹).

منتظرِ مهـدی فاطمه علیها السـلام به دنیا قانع نیست، بلکه جایگاه بلنـدتری را می طلبـد. چون در چشم تیزبین او، دنیا بد نیست، بلکه اندک است.(۱)

معنای دوم؛ روی آوردن به جهت حضور در کنار محبوب است تا با این حضور و انتساب، کسب آبرو کند. وجاهت و شـرافت و مقبولیّتی را که هرگز به طور طبیعی نمی توانسته کسب کند، بدین وسیله به دست می آورد.

انسان ها در زندگی خود به دنبال پیدا کردن موقعیّت اجتماعی خوبی هستند و تمام تلاش خود را در این زمینه انجام می دهند تا به این هدف ارزشمند برسند.

آنان که به کلاس های بالاتری راه پیدا کرده اند و ارزش های انسانی خود را کشف کرده اند و اسـتعدادهای ویژه و برتر خود را یافته اند و به استخراج و بهره برداری از آن مشغولند، آبرومندی را در جای دیگری دنبال می کنند.

آنان، آبرو را در نزد امام حسین علیه السلام می جویند و این دعا را بسیار می خوانند:

اللهم اجعلنی عندک وجیهاً بالحسین علیه السلام فی الدّنیا والاخره(۲)

۱- ((فما متاع الحیوه الدنیا فی الاخره الاّ قلیل)) توبه(۹): ۳۸.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

و در نتیجه، خدا، خریدارشان می شود؛

((إنّ اللّه اشتری من المؤمنین)). (۱)

وجاهت در حضور حق و در محضر او، برای کسانی است که از غیر او رو برگردانده. به همین سبب، منتظرِ مؤمن، تمام توجّه و وفـای خود را در این راه مصـرف می کنـد و به درجه ای می رسـد که «افضل اهل هر زمان» لقب می گیرد؛ المنتظرون لظهوره أفضل کلّ زمان.... (۲)

دوم. میثاق

((... الّذین یوفون بعهـد اللّه ولا ینقضون المیثاق))(۳)؛ فرزنـد انتظـار، بـا توجّه و اقبـال قلبی، ارتباط میان خود و حجّت حق را نیرومنـد می سازد و تا جایی پیش می آیـد که نه تنها توقّعی از او ندارد، بلکه متعهّد می شود تمام دارایی هایش، خانواده اش، هستی اش و تمام آن چه را خدا به او عطا کرده، در راه محبوب به

۱- توبه(۹): ۱۱۱.

۲- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۳- «کسانی که به عهـد و پیمان با خـدا، وفا دارنـد و تعهّـدات خود را نقض نمی کنند» (الرعد(۱۳): ۱۹). در این باره، روایات فراوانی وارد شده است. از امام صادق علیه السلام روایت شده: «نحن ذمّه اللهِ وعهدُ اللهِ فَمَنْ وَفی بعهدنا فقد وَفی بعهد الله و مَنْ حَفَرَها فقـد حفر ذمّه اللّه و عهـده؛ ما، عهد خدا هستیم. هر کس به عهد ما وفا کند، پیمان با خدا را به جا آورده، هر کس عهد ما را نقض کند، پیمان خدا را شکسته است» (مکیال المکارم، ج ۱، ص۳۹۵).

مصرف برساند و این سرود همیشگی اوست که هر روز با ولی و امام زمانش زمزمه می کند: وأبذل مالی و أهلی و نفسی.... (۱) او می داند که آن چه نزد ما می ماند، نابود شدنی است و آن چه نزد «ولی» است، ماندگار و جاویدان است؛ ((ما عندکم ینفد و ما عنداللّه باق)). (۲)

تو می خواهی آن چه را خدا به تو بخشیده، در راه او ببخشی. این بذل به دست آوردن و از تباه شدن دارایی جلوگیری کردن است. چگونه ممکن است قرض دادن به یک مؤمن، سبب تضاعف و ازدیاد آن شود و در راه ولی خرج کردن و به او سپردن و با او معامله کردن چنین نباشد؟ در واقع، مؤمنِ منتظر، با این کار، تجدید بیعت می کند.(۳)

برای تجدید بیعت با حضرت صاحب الامر، دعای عهد، میثاق نامه ای زیبا است. امام صادق علیه السلام فرموده اند:

هر کس، چهل صباح، این دعا را بخواند، از یاوران حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خدای تعالی، او را زنده خواهد کرد تا در رکاب آن

۱- «پس بذل می کنم خانواده ام و ثروتم و خودم و آن چه را پروردگارم عطا کرده است... و آن، عهد من است و میثاقم نزد تو. چون تو، نظام دینی و پیشوای متقیان هستی...» (مفاتیح الجنان، زیارت دوم حضرت صاحب الامر).

۲- النحل (۱۶): ۹۶.

۳- «هر کس بمیرد در حالی که نسبت به امام مسلمانان، بیعتی برگردن او نباشد، به مرگ جاهلی مرده است» (صحیح مسلم، ج ۳، ح ۱۴۷۸).

عزیز جهاد کند. (۱)

انسان، با این تجدید عهد، متعهّد می شود که از هر گونه سستی و انحرافی دوری گزینند؛ برای صاحب امر، غیبتی طولانی است. در این دوران، هر کسی باید تقوا پیشه سازد، و چنگ در دین خود زند. (۲)

اگر مؤمنان به میثاق با خدا پایبند باشند، یقیناً، زمان ظهور فرا خواهد رسید. چه خوب است به ندای زیبایش در این زمینه، گوش جان بسپاریم. آن حضرت فرمود:

لو أشیاعنا، وفّقهم اللّه لطاعته، علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخّر عنهم الیمن بلقائنا...؛(۳)

اگر شیعیان ما که خدا توفیقشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر عهده گرفته اند، همدل می شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد.

بنابراین، تا استعداد حضور حضرت را پیدا نکنیم، از فیض دیدار خبری نیست. امام عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظرآمادگی و تجدید عهد خالصانه ماست که به همراه آن، سرور و بهجت و رضایت و انس هم خواهد آمد.

سوم. پناه

انسان منتظر، وقتی مسئولیّت خود و رسالت سنگینش را دریافت و به این نتیجه رسید که باید حرکت کند _ چون ماندن، گندیدن و پوسیدن است _ با مانع ها و درگیری هایی روبه رو می شود که در همه

۱- الاختصاص، ص ۷۲ _ ۷۳.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

۳- احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

جا خانه گرفته اند و وحشت و غربت آفرینند.

در این هنگام، ناچار بایـد به کسـی پناه برد تا او را از این غربت و تنهایی نجات دهد. اکنون، این سؤال در ذهن پدید می آید: به چه کسی باید پناه برد؟ با چه کسی باید به گفت و گو نشست؟ به چه کسی باید دلگرم شد؟

در پاسـخ بایـد گفت: این انس، جز به معصوم و انتظار فرج او نیست.(۱) این حقیقت، در سـخن دلنشین امام سجاد علیه السلام آمده است:

انتظار الفرج من أعظم الفرج؛(۲) انتظار فرج، از بزرگ ترین گشایش ها است.

سینه هایی که رنـج هستی، دردهای انسان، ظلم های جامعه را شاهـد بوده انـد و همراه هر قطره خون که از رگ های مظلومان ایرانی و فلسـطینی و لبنانی و افغانی و... به زمین ریخته، همراه هر تازیانه که بر مجاهـدی فرود آمـده، حضور داشـته انـد و این گونه در برابر همه مردم و همه هستی، خود را مسئول می داننـد، چـاره ای جز پیونـد بـا مهـدی فـاطمه عجـل الله تعـالی فرجه الشریف ندارند.

چهارم. توسل

وادی عشق، بسی دور و دراز است، ولی

طی شود جاده صد ساله به آهی، گاهی(۳)

ای عزیز فاطمه! ما، غفلت کردیم و متوجّه نشدیم و غافلانه و

۱- امام رضا علیه السلام فرمود: «الإمام الأنیس الرفیق والوالد الشفیق» (کافی، ج ۱، ص ۲۰۰، باب نادر فی فضل الإمام، ح ۱).

۲- بحارالأنوار، ج ۲، ص ۱۲۲.

۳- اقبال لاهوری.

جاهلانه، تو یوسف عزیز را، بدون این که حتّی ثمن بخسی نصیب مان شود، از دست دادیم و اکنون، در هجران تو، کنعان زندگی ما، در خشکسالی سوزان، فرو رفته است و زندگی بر ما سخت شده است و با شرمندگی، دست تمنّا به سوی تو گشوده ایم و عرضه می داریم:

((یا أیّها العزیز مسّنا وأهلنا الضرّ وجئنا ببضاعه مزجاه فأوفِ لنا الکیل و تصدّق علینا إنّ اللّه یجزی المتصدقین)). (1)

فرزندان انتظار، حکمت غیبت آن منجی غائب را درک کرده، آن را ناشی از فاصله فرهنگ این دوران از فرهنگ مهدویّت و عدم آمادگی برای حضور آن امام همام می دانند. آنان خوب می دانند فاصله آنچه باید باشند و آنچه هستند، به ژرفای یک عمر زندگی است که بدون راهنمایی از عالم وحیانی و توسّل به ساحت مقدّس یک وجود نورانی، میسّر نیست.

آنان دریافته اند که توسّل، تقرّب است و وسیله ساختن برای رسیدن به محبوب و معبود؛ ((وابتغوا إلیه الوسیله))(2).

باید دانست که اهل بیت، وسیله تقرّب انبیا هستند. (3) بر پایه حکم عقل، برای رسیدن به هر مقصدی، به دنبال وسیله ای باید رفت، امّا هر وسیله ای برای مقصد خاصّی ساخته شده است، امام، وسیله قرب،(4)

1- یوسف(12): 88.
2- مائده(5): 35.
3- بحارالأنوار، ج 91، ص 27.
4- «نحن الوسیله إلی الله» (مکیال المکارم، ج 1، ص 352 _ 353).

وسیله هدایت(۱)، وسیله رضا و رضوان(۲) و راه رسیدن به بهشت موعود است. (۳)

این درست که نمک طعام را هم بایـد از آنان خواست، ولی وقتی می شود بیش ترها را به دست آورد، برای طرح درخواست های پایین تر، مجال توسّل نمی مانـد، هر چند آنان که به خواسته های بزرگ دست می یابند و با هستی، هماهنگ می شوند، نظام هستی نیز با آنان هماهنگ می شود و درخواست های کوچک آنان هم برآورده می شود.

خوب است در این زمینه به روایتی گـوش جـان بسپاریم؛ در آن روزهـا که زمین برای ظهور آخرین پیـامبر جشن شکوفایی گرفته بود. در آن روزگار که در سرزمین خشک و بی آب و علف بذرهای دعوت و رحمت کاشته شده بود. در آن زمان که طرح عقیـده و دعوت آشکار و پنهـان ریخته شـده بود. در آن سـرزمینی که درگیری بـا بت ها و طاغوت ها و خود پرستی ها شکـل گرفته بـود و در آن روزهـا که شـبه جزیره، طعم حـاکمیّت دینی را تجربه می کرد و رسـول خـدا می خـواست آمـال و آرزوها و درخواست های آن مردمان، رفعتی به بلندای آسمان ها

ص:۸۰

۱- واژه «النجم» در آیه ۲۶، نحل ((وبالنجم هم یهتدون)) به ائمه علیهم السلام تفسیر شده است.
۲- در دعای ندبه آمده است: «وجعلتهم الذرایع إلیک والوسیله إلی رضوانک» (مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۵۲ _ ۳۵۳).
۳- در دعای سید الساجدین در روز عرفه آمده است: «وجعلتهم الوسیله إلیک والمسلک إلی جنتک».

پیدا کند و در آن روزها....

امام صادق علیه السلام می فرماید:

در این دوران به مردی از طائف که در دوران جاهلیت رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم مهمان او شده بود و مورد احترام وی قرار گرفته بود، گفتند: یادت می آید آن شخصی را که در آن روز در طائف بر تو وارد شده بود، او همان رسولی است که اکنون به این مقام رسیده.

او گرفتار بود و فقیر، آماده اش کردند که بیاید از پیامبر درخواستی داشته باشد، خیلی فکر کرد که چه بخواهد. آنگاه گفت: یا رسول الله! مرا می شناسید؟ حضرت گفتند: تو کی هستی؟ گفت: من همانم که آن روز بر من وارد شدی و... حضرت فرمودند: مرحبا چه می خواهی؟ خوب فکر کرد و گفت: دویست گوسفند با چوپان.

حضرت لختی اندیشید و سر فرو انداخت و فرمود: به او بدهید. سپس رو به اصحاب کرد و با تأسف فرمود: چگونه است که این فرد از آن پیرزن یهودی همتش کم تر است! اصحاب پرسیدند: داستان چه بود؟

حضرت فرمود: وقتی که برادرم موسی از مصر به سرزمین مقدس در شام می خواست هجرت کند، وحی آمد که جنازه حضرت یوسف را با خودت ببر. موسی مأمور شده بود کسی را که آشنا با محل این جنازه باشد، پیدا کند. به او گفتند: اگر کسی باشد فلان پیر زن بنی اسرائیل است. موسی به دنبالش فرستاد تا او را آوردند. موسی گفت: می دانی آن جنازه کجاست؟ گفت: آری. گفت: بگو هر چه بخواهی به

تو می دهم. گفت: نمی گویم مگر این که همه خواسته هایم را بپذیری. گفت: بهشت را. گفت: همان که گفتم.

موسی متحیر ماند. وحی آمد که قبول کن، تو نمی دهی ما می دهیم. موسی گفت: قبول است. پیرزن گفت: درخواست من این است که روز قیامت در بهشت با تو و در رتبه و مقام تو باشم...

سپس رسول خدا آهی کشید و فرمود: چه شد درخواست او چون درخواست این پیرزن نبود! چه شد این فرد همتش از آن پیرزن کم تر بود!(۱)

راستی آیا ما نیز چنین نیستیم؟ آیا درخواست ها و آرزوهایمان بر همین اساس نیست؟

آری، می شود از ولی خدا، کشت و زرع و تجارت و فرزند و عیال و... خواست و آنان نیز خاندانِ بذل و بخشش اند و یقیناً، انسان، از توسل فرد بهره مند می شود، ولی بهره بیش تری را از دست می دهد.

از هر وسیله ای باید متناسب با توانایی او درخواست داشت. از حجت خدا، باید کاری را خواست که از دست دیگران ساخته نیست. درباره مشکلات حوزه های علمیّه، یکی از اساتید می گفتند: «کار اصلی مرجع، ساختن مسجد و مدرسه و بیمارستان نیست. این ها، کارهایی است که از یک ثروتمند هم ساخته است. کار مرجع، تربیت عالم عادل و عاقل است. این، کاری است که از دیگران ساخته نیست. باید به هر کس، در کاری که برای آن ساخته شده، توسّل جست و بهره

۱- روضه الکافی، ج ۸، ص ۱۱۰، ح ۱۴۴. (حدیث الّذی أضاف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بالطائف).

گرفت».(۱)

آری، آنان خود، معرِّف خویشند. آنان، انقلاب در عقل ها و اندیشه ها پدید می آورند.(۲) آنان، قفل و زنجیر را از پای آدمی بر می دارند تا خوب حرکت کند.(۳) به هر طرف، چه شرق و چه غرب برویم، هدایت، فقط در نزد آنان است.(۴)

خدا، به عزّت و جبروت خود قسم خورده که اگر کسی او را چنان عبادت کند که مانند چربی در دیگ، آب شود، از او نخواهد پذیرفت، مگر از همان طریقی که خودش امر کرده، او را بخواند.(۵)

ص:۸۳

۱- تو می آیی، ص ۲۳.

۲- «لیثیروا لهم دفائن العقول» (نهج البلاغه، خ ۱).

۳- ((یضع عنهم اضرهم والاغلال التی کانت علیهم)) (اعراف(۷): ۱۵۷). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «... بالمهدی... یخرج ذلّ الرق من أعناقکم؛... به دست مهدی علیه السلام بندهای بردگی از گردن همه شما گشوده می گردد...» (بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۵۷).

۴- شرّقوا أوْ غرّبوا (یا در تعبیر دیگر: فلیشرق الحکم ولیغرب) أمّا ـ والله! ـ لایصیب العلم إلاّ من أهل البیت (کافی، ج ۲، ص ۲۵۲).

۵- عن أبی عبدالله علیه السلام قال: عَبَّدَاللّه حِبرٌ من أحبار بنی اسرائیل، حتّی صار مثل الخلال. فأوحی اللّه عزّوجلّ إلی نبی زمانه: «قل له: و عزّتی و جلالی و جبروتی! لو أنّک عبدتَنی حتّی تذوبَ الألیه فی القدر ما قبلتُ منک حتّی تأتینی من الباب الذی أمرتک» (بحارالأنوار، ج ۲۷، ص ۱۷۶).

پنجم. آمادگی

مؤمن منتظر، بیکار نمی مانـد، بلکه آماده می شود. همچون یعقوب، بوی پیراهن یوسف در او انقلابی پدید می آورد.(۱) آنان که انتظـار محبوبی را داشـته باشـند، کوچـک ترین نشانه ای از محبوب، در آنان اثر عمیقی می گـذارد. در تاریـخ می خوانیم. پیراهن حضرت یوسف، بر روح و جسم یعقوب اثر گذاشت و چشم نابینای او، بینا، و روح و روان وی،

ص:۸۴

۱- مفضـل بن عمر می گویـد: شـنیدم از امـام صـادق علیه السـلام که می فرمود: می دانی پیراهن یوسف علیه السـلام چه بود؟ گفتم: نه. فرمود: چون برای ابراهیم علیه السلام آتش افروختند، جبرئیل، برای او پیراهنی آورد و به تن او کرد که گرما و سرما به او آسـیب نرساند و چون زمان وفات او فرا رسـید، آن را در جلد دعایی نهاد و بر اسحاق آویخت و او، به یعقوب آویخت و چون که یوسف متولّد شد، آن را به وی آویخت و در بازویش بست، تا کارش به آن جا که باید، کشید و چون یوسف آن را در مصـر از میـان جلـد دعا در آورد، یعقوب علیه السـلام بویش را استشـمام کرد. این است گفتار خـدا که از او حکایت کرده است که «من، بـوی یوسف را استشـمام می کنم، اگر مرا به خطـا نسـبت ندهیـد» و آن، همـان پیراهنی است که از بهشت فرود آمده است. عرض کردم: قربان تو بروم! این پیراهن به دست چه کسـی رسـید؟ فرمود: به دست اهل آن است و آن، همراه قائم ماست وقتی ظهور می کنـد. سـپس فرمود: هر پیغمبری که دانش یا چیز دیگری ارث برده است، همه آن ها به محمد صـلی الله علیه و آله و سلم رسیده است. (کمال الدین، ج ۲، باب ۶۲، حدیث ۲۹).

شادمان شد.

آمادگی، آن هم در تمامی اَبعادش،(۱) یکی از وظایفِ دوران غیبت به شمار می آید؛ چون مؤمن منتظر، پیوسته در حال زمینه سازی برای حکومت مهدی«عج» است؛ ویوطّئون للمهدی سلطانه. (۲)

او، با دیدن دوره های آموزش نظامی و فراهم کردن اسلحه مناسب، خود را برای یاری امام آماده می کند. شیخ کلینی رحمه الله از امام کاظم علیه السلام نقل می کند: هر کس اسبی را به انتظار امرِ ما نگاه دارد و به سبب آن، دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که منسوب به ماست، خداوند روزیش را فراخ گرداند و به او شرح صدر عطا کند و او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته هایش یاریش کند. (۳)

چگونگی آمادگی در گرو شرایط زمان و مکان است؛ اگر در روایات، سخن از فراهم کردن اسب و شمشیر، به میان آمده، برای تمثیل و بیان لزوم آمادگی برای یاری آخرین حجّت حق است.

بنابراین، به طور کلّی می توان گفت: فرهنگ انتظار، فرهنگ آماده سازی جامعه برای پذیرش آزادانه حاکمیّت الاهی است و در این میان، راهبرد منتظران، نزدیک سازی آزادی به دین است.

۱- چون در بخش «ابعاد انتظار» در این مورد بحث شد، طرح مجدّد آن، ضرورتی ندارد.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۸.

۳- کافی، ج ۶، ص ۵۳۵، روایت ۱.

فصل ششم: ره آورد انتظار

اشاره

ص:۸۷

فرزنـدان انتظـار، بـا کسب آمـادگی های لازم و پس از پیمودن مراحل یاد شـده، ریشه هایی در وجودشان سبز می شود و رفته رفته به نتایج مناسب دست می یابند.

و صبر بر گرفتاری و برخوردها و آزار و تمسخرها و بلاها و امتحانات،

و ذکر و یادآوری در برابر فتنه و غفلت ها،

و اصلاح جامعه،

و امید به آینده مطلوب،

و همراهی با حجّت حق،

و زیرکی و بصیرت در برابر «شبهات مهاجم» را به بار می نشاند.

اکنون برخی از ره آوردهای انتظار را بر می شمریم:

یکم. صبر

امام صادق علیه السلام فرمود: من دین الأئمه، الورع... و

ص:۸۸

انتظار الفرج بالصّبر.(۱) شرایط بسیار دشوار عصر غیبت، مستلزم آن است که هر شیعه منتظری، در برابر مشکلات و گرفتاری ها بایستد و از موجودیّت و هویّت خویش دفاع کند.

کسی که برای آینده اش برنامه می ریزد و برای رسیدن به اهدافش، نیازها را می شناسد و برای به دست آوردن آن ها، راه هایی را پیش بینی می کند، به خوبی می داند که با داشتن نقشه و برنامه، کارها، سریع تر و بهتر شکل می گیرد. چون موانع را در طرح و برنامه کلّی، می توان شناخت و برای از میان برداشتن آن ها، چاره ای اندیشید.

آنان، در رویارویی با مشکلات، غافلگیر نمی شوند و کاسه صبرشان لبریز نمی گردد و به جزع و فزع یا ذلّت و ضعف روی نمی آورند. مواجهه با ترس، طبیعی است و هر انسانی، در طول زندگی اش، با آن روبه رو می شود، امّا مهم این است که چگونه از آن بهره ببرد.

آدمی، در طول تاریخ، با ترس ها به قدرت رسیده،(۲) با محبّت ها و عشق ها، کوه ها را بر دوش کشیده است. (۳) انسان بر اثر برخورد با مشکلات و تجربه های مکرّر آموخته است که چگونه ترس و عشق را با قدرت جایگزین کند و چگونه برای مشکلات راه حل بیابد.

منتظر، کسی است که مشکلات دوران انتظار را پیش بینی کند و در

۱- از دین امامان است پرهیزکاری... و انتظار فرج با صبر و شکیبایی (بحارالأنوار، ج ۵، ص ۱۲۲).
۲- دانشمندان، تمدن صنعتی فعلی را، حاصل جنگ های جهانی اول و دوم می دانند.
۳- بیستون را عشق کند و شهرتش فرهاد برد.

نتیجه، از بحران هجوم مشکلات بکاهد و صبرش، مغلوب حوادث نشود.

امام حسین علیه السلام می فرماید:

برای او، غیبتی است که گروهی در آن دوران، از دین برگشته، برخی دیگر، بر دین پایـدار خواهنـد ماند و مورد اذیّت و آزار قرار خواهنـد گرفت. به آنان گفته می شود: اگر راست می گوییـد، پس این وعـده ظهور مهدی چه زمانی اتفاق خواهد افتاد؟ لیکن آن که در زمان غیبت، بر آزارها و تکذیب ها، استوار بماند، گویا مجاهدی است که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با شمشیر، به جهاد برخاسته است. (۱)

امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:

زمانی بر مردم خواهـد آمـد که حکومت، جز به وسیله کشـتن و سـتمگری به دست نیایـد، و ثروت جز با غصب و بخل فراهم نگردد، و محبّت و دوستی، جز بـا بیرون رفتن از دین به چنـگ نیایـد. پس هر کس، آن زمان را در یابـد و بر فقر صبر کنـد، با این که محبّت مردم را بتوانـد جلب کنـد، و بر خـواری و ذلّت صـبر کنـد، در صـورتی که قـدرت عزیز شـدن را داشـته باشـد، خداوند پاداش پنجاه صدّیق از تصدیق کنندگان مرا به او خواهد داد. (۲)

مراد از «ذلّت و عزت» در این روایت، عزّت و ذلّت ظاهری و دنیایی است، وگرنه مؤمن همیشه از عزّت برخوردار است، چه در فقر و پریشانی، چه در مکنت و برخورداری؛ ((وللّه العزه ولرسوله

ص:۹۰

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.
۲- کافی، ج ۲، ص ۹۱، ح ۱۲.

وللمؤمنين)).(۱)

امام کاظم علیه السلام نیز در این زمینه می فرماید:

هر کس صبر کند و انتظار کشد، به فرج و پیروزی می رسد و انتظار فرج، بخشی از فرج است. (۲)

این مسئله، چنان حیاتی است که صابران دوره انتظار، از گروندگان به غیب، بلکه از مفلحان و رستگاران شمرده شده اند. (۳)

دوم. ذکر

دوران انتظار، دوران هجوم فتنه ها و مشکلات و گرفتاری هاست. آنچه سبب آرامش قلبی و قدرت روحی شیعه منتظر می شود و وی را از غفلت و زینت و وسوسه، نجات می دهد، ذکر و هوشیاری است.

آدمیّت آدمی، در گروِ دو دستاورد بزرگ، یعنی علم و ذکر است. با علم، از جهل ها آزاد می شویم و با ذکر، از غفلت ها. انسان در یک مرحله، جاهل است و در این مرحله، محتاج دانستن است. پس باید به دنبالش برود، در هر جا باشد.

از طرفی، تأکید فراوان برفراگیری علم و دانش، اهمیّت آن را دو چندان می کند، ولی باید توجّه داشت که دانستن، شرط لازم برای

۱- منافقون(۶۳): ۸.

۲- مکیال المکارم، ج ۲، صص ۴۱۱ _ ۴۲۶.

۳- قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «طوبی للصّابرین فی غیبته... أولئك وصفهم اللّه فی کتابه فقال: ((والّذین یؤمنون بالغیب)) و قال: ((أولئك حزب اللّه ألا انّ حزب اللّه هم المفحون))» (بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳).

موفّقیّت و سعادت آدمی است، امّا شرط کافی برای این مهم نیست. چون، پس از یافتن و فهمیدن، خطر دیگری بر سر راه است و آن، غفلت و بی خبری است. در این مرحله، علم کارساز نیست، بلکه ذکر و تذکر، کارگر است و چاره درد.

مؤمنِ منتظر نیز از این امر، مستثنا نیست. زیرا فتنه ها و جلوه ها و وسوسه ها و زینت ها(۱) در دنیا وجود دارند و در دوران غیبت، شدیدتر هم شده اند و طبیعی است که هر یک دل را می لرزاند و سبب غفلت می شود. بنابراین، شیعه منتظر با ذکر و هوشیاری، باید اُنس گیرد و از این «قوّت روح» و «کلید و حیات قلب» و «نور و شفای دل»(۲) مدد جوید.

راستی، عجب حکمتی دارد آفرینش خدا، چه زیبا انسان را تربیت می کند! در دل هجوم زینت ها و جلوه ها و دنیا زدگی ها، ذکر و یادآوری نورانیّت و هوشیاری و حلاوت و شیرینی عبادت و خود باوری را به انسان منتظر هدیه می کند و این، نتیجه آمادگی و انتظاری است که وی به چنگ آورده است.

سوم. اصلاح

یکی از آثاری که در هر شیعه منتظر پدیدار می گردد، اصلاح و

۱- ((اعلموا انّما الحیاه الدنیا لعب و لهو و زینه و تفاخر بینکم)) (حدید(۵۷):۲۰).

۲- در روایاتی از ذکر، به قوت روح و کلید و حیات قلب و نور و شفای دل تعبیر شده است. نک: میزان الحکمه، ج ۳، ص ۴۱۷ _ ۴۱۸.

پیراستن خود از خصائص ناپسند، و آراستن خود به اخلاق نیکو است. این، نتیجه طبیعی انتظار واقعی است.

او، در تاریخ کسانی را دیده است که در بحرانی ترین شرایط، زیر شانه ولی خدا را خالی کرده اند! او، طلحه و زبیرهای تاریخ را دیده است! او، عمر سعدها را دیده است! از این رو او نقطه ضعف هایش را شناسایی می کند و در پی اصلاح خود بر می آید.

شیعه منتظر، دریافته که با اصلاح خود، به تنهایی کارها درست نمی شود. چون او با جامعه مرتبط است. او می داند که جامعه فاسد، فرد صالح را هم به فساد می کشاند. درک این ضرورت، او را به اصلاح جامعه می کشاند.

این دو، همان علامت هایی هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از سالیان دور، در گوش تاریخ گفته است. مسلمان باید صالح باشد؛ المسلم مَنْ سلم المسلمون من یده و لسانه؛(۱) نیز باید مصلح باشد؛ مَنْ أصبح ولم یهتمّ بأُمور المسلمین فلیس بمسلم. (۲)

از امام صادق علیه السلام در این مورد، چنین نقل شده است:

هر کس دوست دارد که از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و در این حال، به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند....(۳)

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۸.
۲- کافی، ج ۲، ص ۱۶۳، ح ۱ و ص ۱۶۴، ح ۵.
۳- الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۱، ح ۱۶؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

امـام عصـر علیه السـلام نیز با توجّه به ناگهانی بودن امر ظهور، همه شـیعیان را به انجام دادن اعمال پسـندیده و دوری از اعمال ناپسند در زمان غیبت، فرا خوانده، می فرماید:

هر یـک از شـما، بایـد آن چه را سـبب دوستی مـا می شود، پیشه خود سازد و از آن چه مایه خشم و ناخشـنودی ما می گردد، دوری گزینـد. زیرا فرمان ما، به یک باره و ناگهانی فرا می رسـد و در آن زمان، توبه و بازگشت، برای کسـی سودی نـدارد و پشیمانی از گناه، کسی را از کیفر ما نجات نمی بخشد.(۱)

این موضوع، از چنـان اهمیّتی برخوردار است که در توقیع شـریف نـاحیّه مقـدّس حضـرت صاحب الامر علیه السـلام به مرحوم شیخ مفید، آمده است:

تنها چیزی که ما را از آنان پوشـیده می دارد، چیزهای ناخوشاینـدی است که از ایشان به ما می رسـد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی رود.(۲)

چهارم. امید

انتظار فرج، از آن جهت مورد تأکیـد و توصـیه اهل بیت علیهم السـلام قرار گرفته است که در شـیعه منتظر، امید به آینده پدید می آورد و همین امید، نقش بزرگی در زندگی او دارد. چون اگر پندار کسـی این باشد که هیچ تلاشـی برای اصـلاح امور به نتیجه نمی رسد، انگیزه ای برای مبارزه با طاغیان و مقاومت در برابر دشواری ها نخواهد داشت؛ امّا اگر کسی

۱- احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۲.
۲- احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۲.

به آینده امیدوار باشد و بداند که دیر یا زود، حکومت زمین به صالحان خواهد رسید و امور جامعه اصلاح خواهد شد و ستم و بیداد رخت بر خواهد بست و... برای رسیدن به چنان جامعه ای می کوشد تا با دگر سازی، زمینه تشکیل آن دولت کریمه را فراهم آورد.

حالت انتظار و اعتقاد به حضور رهبر، اثر عمیقی در اجتماع دارد. هر گاه این رهبر، در دل اجتماع باشد، مداخله او در رهبری امّت و نظارت بر سازمان ها، لازم و ضروری است، ولی هر گاه این رهبر، به عللی زندانی یا تبعید بیمار شود، باز هم مردم به امید وجود آن رهبر، دست به دست هم داده، کارها را ادامه می دهند.

در طول تاریخ، در میان ملل زنده که نهضت هایی داشتند، تا زمانی که رهبر نهضت، زنده بوده است، هر چند از نزدیک موفّق به رهبری نمی شد، تشکیلات این گروه پایدار می ماند؛ امّا لحظه ای که زندگی او به پایان می رسید، دو دستگی میان نیروها، و پراکندگی و نابسامانی، در میان جمعیّت، پدید می آمد.

بنابراین، حالت انتظار و اعتقاد به وجود امام زنده و حاضر و ناظر، در حفظ وحدت مردم و آماده کردن افراد برای نهضت علیه ستم مؤثر است.

پنجم. همراهی

شیعه منتظر، تلاش دارد که در رفتار و گفتار و پندار، خود را به خصیصه های نیکوی امامش نزدیک کند. بگوید، آن چه او می پسندد و انجام دهد کاری را که او خوش می دارد و... از این رو، اخلاق او، مردم را به یاد آن غایب از نظر می اندازد تا جایی که بهترین افراد اهل زمان خود به شمار می رود.

ص:۹۵

فرزندان انتظار، در مناسبات اجتماعی، چنان پابند عدالت اند که مردم، طَعم عدالت اجتماعی را به سبب ایشان تجربه می کنند. فرزنـدان انتظار، این هشـدار را شـنیده انـد که «منفورترین مردم نزد پروردگار، کسـی است که سـیره امامی را برگزیند، ولی از کارهای او پیروی نکند». (۱)

یکی از دعاهایی که تصویر روشـنی از شـیعه منتظر می نمایاند و ما را با انتظارات امام از شیعیانش آشنا می کند، دعای شریف اللّهم ارزقنا توفیق الطّاعه و... است. (۲)

همراهی با امام منجی، در گرو آزادی از هر گونه تعلق و رهایی از همه وابسـتگی هاست. با این سـعه وجودی است که آدمی، رفعت می گیرد و می توانـد سـرودِ واجعـل لی مع الرّسول سـبیلاً(۳) را سـر دهد. چون، تا کسـی به این وسـعت و رشد نرسـیده باشد، همراهی رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ولی علیه السلام را نمی تواند داشته باشد. (۴)

همراهی و معیّت با رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ولی علیه السلام همراهی در اهداف و همراهی در سلوک عملی آنان را می خواهد. من که تمام هدفم متاع دنیا است

ص:۹۶

۱- کافی، ج ۸، ص ۲۳۴.

۲- مفاتیح الجنان، دعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۳- مفاتیح الجنان، تعقیبات بعد از نماز در ماه مبارک رمضان.

۴- به داستان های جالبی در مورد بزرگانی که طالب دیدار حضرت بودند، امّا تعلّق های آنان، سبب جدایی از امام موعود شد مراجعه شود (انتظار و انسان معاصر، ص ۷۱_۷۳).

و رضایت به این زندگی است،(۱) همراه اهداف «ولی» نمی توانم باشم و به مقام معیّت و در رکاب ولی بودن برسم، امّا آنان که پوسته ها و دیوارها را شکسته اند و از تعلّقات دنیوی آزاد شده اند و چنان وسعت پیدا کرده اند که دیگر نمی خواهند و نمی توانند به دنیای محدود برگردند، همراه ولی معصوم می توانند باشند تا جایی که لیاقت همراهی امام قائم علیه السلام آن هم در خیمه اش را پیدا می کنند. (۲)

ششم. بصیرت

مؤمنِ منتظر، در تمامی اَبعاد، آمادگی پیدا می کند. یکی از آن ها، آمادگی فکری است. نتیجه تلاش فکری مؤمنِ منتظر، بصیرت و آگاهی است. فتنه ها، افزون بر این که غفلت می آورند، شبهه و تردید و تزلزل را نیز در افکار آدمی ایجاد می کنند و این فرزند انتظار است که چون به هوشیاری فکری رسیده، بیدار است و آماده شده است. او از زبان مهربان علی علیه السلام شنیده:

فإنّما البصیر مَنْ سَمِعَ فتفکر و نظر فأبصر. (۳)

ص:۹۷

۱- ((إنّ الّذین لایرجون لقاءنا رضوا باکیاه الدنیا واطمأنّوا بها)) (یونس (۱۰): ۷).

۲- قال ابوعبداللّه علیه السلام: «مَنْ مات منکم و هو منتظر لهذا الأمر کمَنْ هو مع القائم فی فسطاطه...؛ اگر کسی از شما بمیرد در حالی که منتظر حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده، همانند کسی است که با امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در خیمه اش بوده است...» (بحارالأنوار، ج ۴۲، ص ۱۲۶).

۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۵۸.

او می داند که آیین تشیّع، از آغاز گسترش، هماره مورد تاخت و تاز دشمنان قرار داشته و در عصر غیبت، به شدّت آن افزوده شـده است. آنـان، عرصه را بـا غیبت صاحب دین، خالی دیـده و در این فرصت، به گمراهی کردن مردم رو می آورنـد. او می داند که وظیفه دارد با تمام وجود به دفاع از آیین و آرمان آن حضرت برخیزد و به شبهات والقائات شیطانی دشمن پاسخ دهد.

شیعـه منتظر، همراه تاریـخ اسـت و از آن درس می گیرد. او، قهرمـان بـا وفـای کربلاـ حضـرت ابوالفضـل علیه السـلام را که به بصیرت رسیده بود،(۱) سرمشق خود قرار می دهد.

مؤمنِ منتظر، بیـدار است، خـدای متعـال، به او آن انـدازه از عقل و فهم عنایت کرده که دوران غیبت برایش چون دوران ظهور است و چنان بصـیرت پیدا می کند که شبهات دوران انتظار را به راحتی پاسخ می گوید. امام سجاد علیه السلام در همین زمینه می فرمایند:

... یـا أبـا خالـد! إنّ أهـل زمـانه القـائلین بإمـامته والمنتظرین لظهوره أفضـل من کل زمان؛ لأنّ الله تبارک و تعالی، أعطا هم من العقول والأفهام والمعرفه ما صارت به الغیبه عندهم بمنزله المشاهده؛(۲)

ای ابا خالد! مردم زمان غیبت که به امامت او معتقد و منتظر ظهور او هستند، برتر از مردم همه زمان هایند. زیرا خدای

۱- «أشهد أنَّک مضیتَ علی بصیره من أمرک...» (مفاتیح الجنان، زیارتنامه حضرت ابوالفضل).
۲- کمال الدین، ص ۳۳۰.

والا، آنان را، به اندازه ای از عقل و شناخت برخوردار کرده است که غیبت برای آنان، مانند شهود است.

فرزند انتظار، به چنان توجّهی راه یافته است که با آمادگی و فراهم آوردن زمینه ها، اجازه ورود به هیچ گونه شبهه ای را نمی دهد و روح و قلب خود را از هرگونه گزندی حفظ می کند. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

طوبی لِمَنْ تَمَسَّک بأمرنا فی غیبه قائمنا فلم یزغ قلبه بالهدایه؛(۱)

خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما، به فرمان ما تمسک جوید که در نتیجه، قلبِ هدایت شده اش، هرگز به طرف باطل متمایل نشود.

شیعه منتظر، از چنان بصیرت و آگاهی برخوردار می شود که شگفت ترین مردم در ایمان و بزرگ ترین آنان در یقین، لقب می گیرد.(۲)

اکنون مناسب است در این مرحله از بحث سه نمونه از شبهات را بررسی کنیم.

نمونه ۱

یکی از شبهاتی که در مجالس و محافل و مجلّات مختلف طرح شده،

۱- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ای علی، بدان که شگفت ترین مردم در ایمان و بزرگ ترین آنان در یقین، گروهی هستند در آخر الزمان که پیامبر را ندیده اند و از امام خود دور هستند» (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۶۵).

بحث خشونت است، به خصوص روایاتی نیز در مورد خشونت هنگام ظهور مطرح است. در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «لیس أمره إلاّ السیف(۱)؛ سر و کار او، فقط با شمشیر است».

در روایت دیگری نیز چنین آمده است:

... لا ـیعطهم إلاّ ـ السّـیف، یضـع علی عـاتقه ثمـانیه أشـهر هرجـاً حتّی یقولوا: واللّه! مـا هـذا من ولـد فـاطمه، لو کـان من ولـدها لرحمنا؛(۲)

او جز بـا شمشـیر بـا آنـان برخورد نمی کنـد. در زمـان بحران و آشوب، به مـدّت هشت ماه، شمشـیرش را روی دوش خود می گذارد تا این که مردم خواهند گفت: به خدا سوگند! او فرزند زهرا نیست. اگر فرزند زهرا بود، حتماً به ما رحم می کرد.

بنابراین، اگر آن چه درباره قیام آخرین ولی خدا گفته شده، صحیح باشد، پدیده ظهور، یک فاجعه خواهد بود. زیرا پیامد این حادثه، چیزی نیست جز سیطره آهنین یک نفر بر تمامی کره زمین و تحمیل اراده خشن او بر اراده همه انسان ها.

در جواب این دیـدگاه، بایـد گفت: شـیوه کسب قـدرت در انـدیشه اسـلامی، بر اسـاس آزادی و اختیـار بشـر است، نه اجبار و تحمیل، و شیوه مدیریّت اسلامی، بر وفق و مدارا استوار است، نه شمشیر و تحقیر، و سلوک حکومت دینی، بر رأفت و عطوفت با شهروندان است، نه شدّت و خشونت.

جنـگ ها و درگیری ها، پس از مرحله تبیین و جـدا شـدن صـفوف است. گفتوگوی تمـدّن ها و داد و سـتد میان ادیان، تا مرز درگیری و

۱- کافی، ج ۸، ص ۳۶۲.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۸۴، ح ۶.

رویارویی هم می رسد. این طور نیست که گفتوگوی میان ادیان یا تمدّن ها یا آدم ها همیشه به مصالحه ختم بشود.

از طرفی مرحله نخست گفت و گو نیست؛ پیش از این که گفتگویی صورت بگیرد، برخوردهای حساب شده، محبت ها و زمینه سازی ها مطرح است، سپس گفتگو تحقق پیدا می کند، بعد فرصت می دهد تا تصمیم بگیرند، آنگاه مرحله صف بندی و جبهه گیری مطرح می شود و او ممکن است با ما درگیر شود. چون اختلاف منافع و مقاصد در میان است.

در اندیشه اسلامی، چنین است که جنگ پس از مراحل پیش گفته شکل می گیرد. در جنگ صفین امیرالمؤمنین علیه السلام خیلی تعلّل می کرد تا حدّی که بعضی از اصحاب پنداشتند علی علیه السلام شک دارد و نمی خواهد بجنگد. آنگاه حضرت فرمود: «نه! برای این نیست، بلکه می خواهم یک نفر به بیداری و روشنی برسد». و بعد از تحقق این بیداری و آگاهی، دیگر خشونت نیست، قاطعیّت است.

این ها، عقلانیّت و عین منطق است و احترام گذاردن به کرامت انسانی.

خشونت این است که پیش از فرصت دادن و هدایت کردن و ایجاد زمینه فکر و انتخاب، درگیری را شروع کنی؛ ولی با طی این مراحل، دیگر خشونت نیست.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به همین روش با عامه مردم برخورد خواهد کرد، امّا معاندان و براندازان که حقّانیّت را فهمیده اند، اگر جلوی آن ها را نگیری، جامعه را به فساد می کشانند. طبیعی است که در برابر اینان، رفق و مدارا نمی توان داشت. بر پایه عقلانیّت، بر سر ستمکاران

و متجاوزان به حقوق خدا و مردم، باید شمشیر کشید. بنابر این هم شمشیر حضرت واقعیّت دارد و هم رأفت ایشان.

به بیان دیگر، میان شمشیر قدرت و شمشیر عدالت تفاوت هست. شمشیر مهدی، نه شمشیر کسب قدرت است و نه شمشیر حفظ قدرت، بلکه شمشیر اجرای عدالت است. اگر شمشیر حفظ قدرت بود، دوران غیبت به وجود نمی آمد و اگر شمشیر او، شمشیر کسب قدرت بود، دوران انتظار مفهومی نداشت.

نمونه ۲

مؤمن منتظر همواره با کجروی ها مقابله و با شناسایی و طرح آن ها، آثار منفی آن ها را خنثی می کند. به طور قطع یکی از کجروی ها مسئله رؤیت و ملاقات با حضرت است که متأسفانه امروز شاهدیم که در برخی از محافل صرفا مردم را با نقل خواب و رؤیا و بیان حکایات ملاقات و تشرفات، آن هم بدون توجه به میزان صحت و استناد آن ها سرگرم می کنند.

باید توجه داشت که این شیوه، چند اثر منفی در پی دارد: مردم را همواره در سطحی نازل از ایمان و آگاهی قرار می دهد و اعتقاد و باور آن ها را نیز بسیار شکننده و آسیب پذیر می سازد. زیرا مردمی که تنها با بیان یک خواب جذب موضوع مهدویت می شوند، با وقوع اندک خدشه ای در این نقل ها دچار تزلزل و سردرگمی می گردند.

از سوی دیگر، چنین مطالبی شنوندگان و مخاطبان جوان و نوجوان را از رسالت سنگین که در برابر حجت خدا حضرت صاحب الامر صلی الله علیه و آله و سلم دارند، غافل ساخته، به این اندیشه وا می دارد که تنها باید در

پی به دست آوردن ادعیه، توسلات برای تشرف و ملاقات با آن حضرت بود و قطعا این قبیل افراد اگر به آرزوی خود دست نیابند، دچار دلزدگی و ناامیدی می شوند.

خطر دیگری که طرح این نوع مطالب به همراه دارد، اعتقاد به مهدویت را در نزد کسانی که هنوز به حقائق شیعه و عمق اندیشه مهدویت پی نبرده اند، اعتقادی موهوم و آمیخته با خرافه جلوه می دهد. (۱)

نمونه ۳

شاید این شبهه بارها به ذهن شما خطور کرده باشد که با این همه قدرت جهنمی مستکبران چگونه می توان برخورد کرد و با این همه ضعف و تشتّت چگونه می توان برپا ایستاد و نظم نوین جهانی را زیر پا گرفت؟

پاسخ: اگر منتظران تدبیری نیندیشیدند و باری از میان برنداشتند، ظلم مملوّ زمینه ساز قسط کامل است.

از آن طرف، امکانات مهم نیست، بلکه عمده انگشتی است که آن ها را به چرخ می اندازد و اعصابی است که آن انگشت ها را می گرداند و مغز و قلبی است که بر این همه فرمان می راند. آن جا که این دو مرکز با رعب و وحشت آسمانی بمباران شد داستان همان می شود که آن ها خود با دست خود قلعه را خراب می کنند. زیرا خدا از آن جایی که حسابش را نمی کردند، به سراغ آن ها آمد و دل هاشان

۱- به نقل از ماهنامه موعود، شماره ۲۷، ص ۲۸.

را با ترس گرفت. (۱)

چگونه این ترس شکل می گیرد؟ ((سنلقی فی قلوبهم الرعب))(۲) به زودی ترس را در دل آن ها می ریزیم. ((بما أشرکوا باللّه ما لم ینزل به سلطانا))(۳) و این ترس، از شرک و پراکنده شدن نیروهای باطنی و بت های بی شمار آن ها مایه می گیرد و این شرک(۴) و ترس و اضطراب و التهاب، نشانه هایی است که از همین امروز انسان مقتدر و نیرومند را محاصره کرده، او را در بند کشیده است. (۵)

افزون بر این، روایتی نداریم که استفاده امام مهدی علیه السلام را از تکنولوژی روز نفی کند، بلکه احادیثی مؤید آن است؛ همانند:

انّ صاحبکم لیرکب السّحاب و یرقی فی الأسباب و ینزل العراق فی سبع قباب من النّور لایعلم بأیّها هو؛(۶)

۱- ((فاتاهم الله من حیث لم یحتسبوا)) (حشر(۵۹): ۲).

۲- احزاب (۳۳): ۲۶.

۳- آل عمران(۳):۱۵۱.

۴- حوادث شهریور ۸۰ در نیویورک و واشنگتن، اگر نگوییم مصداق بارز همین آیات بود، بی تردید نشانه ضعف و زبونی و تشتت و پوشالی بودن ابرقدرت آمریکا بود و نشان داد که تمامی های و هوی و ادعاهای آن ها مانند حبابی است توخالی که با یک تلنگر فرو خواهد ریخت.

۵- تو می آیی، ص ۲۸.

۶- سخنان حجه الاسلام کورانی در مصاحبه با ماهنامه موعود، شماره ۲۵.

رهبر شما بر ابرها سوار می شود و با وسایلی بالا- می رود و وقتی از حجاز وارد عراق شود، در هفت گنبد نورانی است که معلوم نیست ایشان در کدام یک قرار دارد.

در روایت دیگری می خوانیم:

انّ اللّه عزّوجلّ أعطی ذی القرنین السّحاب الذّلول و ادّخر الصعب لصاحبکم. سألته: و ماالهواء الصعب؟ قال: الذی فیه رعد و قذف و برق. (۱)

خداوند به ذی القرنین ابر و باد روان و آرام را عطا کرد و برای رهبر شما سخت و مستحکم آن را ذخیره کرد. راوی می گوید، از حضرت پرسیدم که هوای سخت چیست؟

حضرت فرمود: فضای آمیخته با غرش و درخشش هراسناک آسمان است.

۱- پیشین.

فصل هفتم: سرانجام نتظار

اشاره

ص:۱۰۷

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه اح_زان شود روزی گلستان، غم مخور(۱)

سرانجام، دوران انتظار و نهان بودن آخرین منجی، به سر می رسد و به زودی، سپیدی صبح بر سیاهی شب چیره خواهد شد؛ ((ألیس الصّبح بقریب)). (۲) آن زمان دور نیست؛ ((إنّهم یرونه بعیداً و نراه قریباً))(۳) و این انسان است که با انتخاب خود و فراهم آوردن زمینه ظهور، می تواند بر پا بماند و خود را با این حرکت منظّم هستی، هماهنگ کند و در این فرجام نیک آفرینش، سهیم باشد و به رستگاری برسد، و نیز می تواند حرکتی نکند و وظیفه خود را به نهایت نرساند. آن وقت، ظلمِ فراگیر، زمینه ساز قسط و عدل می شود و سیاهی، زمینه ساز نور می شود و در دل تاریکی ها، چراغ ها افروخته می شود.

۱- حافظ.

۲- هود(۱۱): ۸۱.

۳- مفاتیح الجنان، دعای عهد.

اکنون شایسته است به دو نکته توجه کنیم:

۱. پیروزی حتمی سپیدی بر سیاهی

این درس قرآن است: ((جاء الحقّ و زهق الباطل))؛(۱) اگر حق را بیاوری، باطل می رود، امّا اگر حرکتی نشد، باطل به میدان می آید و با این وجود، باز باطل نابود شدنی است. باطل، زمینه های فساد و نابودی را در نهان خود دارد، زیرا کسی که خلاف قوانین و سنّت های حاکم بر هستی می رود، ناچار در معرض زوال است. خوب است به جملات زیر توجه کنیم:

«چه قدر امروز به سپیده فردا نزدیک است»؛(۲)

مردم! در واپسین حرکت تاریخ و آخرالزمان، گران مردی از فرزندان من، ظهور خواهد کرد. هنگامی که پرچمش به اهتزاز در آید، شرق و غرب جهان را روشن می سازد. با ظهور او، موجی از شادی و نور، عالم گستر می گردد. (۳)

این جملات امید بخش، از زبان مهربانی در تاریخ ثبت شده که رنج نسل ها را از گذشته های دور دیده، برای آن برنامه ریخته، در نگاه و عمل، همه آن ها را منظور داشته است. آن، نگاه مهربان علی علیه السلام است که چنین زیبا، پایان تاریخ را به تصویر می کشد. سرچشمه عشق علی علیه السلام محبت خالق هستی است. در روایت دیگری آمده است: «اگر

۱- اسراء(۱۰۷): ۸۱.

۲- «و ما أقرب الیوم من تباشیر غد» (نهج البلاغه، خ ۱۵۰).

۳- کمال الدین، ص ۶۵۳.

کسانی که از درگاه الاهی روی گردانده اند، اشتیاق خداوند به آن ها را می دانستند چگونه است، از شدّت شوق، قالب تهی می کردند و جان می باختند».(۱)

بنابراین، محبتِ همراه حکمت حق، حاکمیّتِ عدالت را به زمین بر می گرداند و این، یک ضرورت است.

۲. نقش دعا در تعجیل فرج

ما، شبی دست بر آریم و دعایی بکنیم غم هجران تو را چاره زجایی بکنیم

سایه طائرِ کم حوصله، کاری نکند

طلب از سایه میمون هُمایی بکنیم(۲)

محبّت و حکمت و عزّت که تجلّیاتی از جلوه های الله است، زمان ظهور را تعیین می کند. از طرف معصومان علیهم السلام، زمانی برای ظهور تعیین نشده است. تنها آمادگی و زمینه سازی سریع تر، همراه دعا و التجا به درگاه خدا، لحظه ظهور را نزدیک می کند. حضرت صاحب الامر علیه السلام در توقیعی که خطاب به اسحاق بن یعقوب صادر شده، می فرماید: «وأكثروا الدّعاء بتعجيل الفرج؛ فإنّ ذلك فرجكم». (۳)

امام حسن عسکری علیه السلام نیز دعا برای تعجیل فرج را شرط رهایی از فتنه های دوران غیبت دانسته، می فرماید:

ص:۱۱۰

۱- جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۳۰.

۲- حافظ.

۳- کمال الدین، ص ۴۸۵؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۹۲ و ۲۹۳.

به خدا سوگند! غیبتی خواهد داشت که در آن، تنها کسانی از هلاکت نجات می یابند که خداوند او را بر قول به امامتش ثابت قدم داشته، در دعا برای تعجیل فرجش، موفّق کرده است.(۱)

دعا برای تعجیل فرج، از چنان اهمیّتی برخوردار است که امام صادق علیه السلام می فرماید:

هر کس، بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: خداوندا، بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان او درود فرست و در فرج ایشان شتاب کن، نمیرد تا قائم را دریابد. (۲)

بنابراین، شیعه منتظر، باید در طول شبانه روز، اوقات نماز و همه ایّامی که در آن ها به دعا سفارش شده، دعا برای تعجیل فرج را یک تکلیف و وظیفه مهمِّ عصرِ غیبت بداند و آن را فراموش نکند. دعا برای تعجیل فرج، دعای همیشگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام و ملائکه آسمان ها بوده و هست. (۳)

به هر تقدیر، کسانی که خواستار دیدن عصاره خلقتند،(۴) طالب

۱- کمال الدین، ج ۵۲، ص ۲۴؛ بحارالأنوار، ص ۳۸۴.

۲- مصباح المتهجّد، ص ۳۶۸، ح ۱۰۸؛ بحارالأنوار، ج ۸۶، ص ۷۷، ح ۱۱.

۳- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۹۳.

۴- هر کس بخواهد عصاره خلقت، بهترین خلائق از آدم و شیث تا نوح و فرزندش سام و ابراهیم و اسماعیل تا موسی و یوشع و عیسی و شمعون تا محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام تا حسن و حسین علیهما السلام و تا ائمه اطهار علیهم السلام را ببیند، این همه در یک نفر جمع شده است و آن، وجود مبارک مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است (الغیبه، نعمانی، ص ۱۳).

حضور بهترین آفریـده خداینـد را، به دعـا برای تعجیـل فرجش روی می آورنـد. چون، تأثیر دعا در نزدیک شـدن فرج را باور کرده اند.

در میان بنی اسـرائیل، دعا سـبب شد تا حضرت موسی علیه السلام صد و هفتاد سال زودتر از وقت تعیین شده، برای نجات بنی اسرائیل برانگیخته شود.(۱) در این امّت نیز، خـود امـام موعود عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف هم اصـرار بر ظهور دارنـد و در چیدن پایه های آن، مخفیانه می کوشند.

آری، سرانجام، انتظار، پایان می پذیرد و سپیدی بر سیاهی پیروز می گردد.

به امید آن روز.

ص:۱۱۲

۱- عن تفسیر العیاشی، عن الفضل بن أبی قره قال: «سمعتُ أبا عبدالله علیه السلام یقول: أوحی اللّه إلی إبراهیم أنّه سیولد لک. فقـال لسـاره. فقـالت: (أ ألـدُ و أنا عجوز). فأوحی اللّه إلیه أنّها سَـیَتَلِدُ و یعـذّب أولادها أربعمأه سـنَهً. فلمّا طال علی بنی اسـرائیل العذابَ، ضـجّوا وَ بَکوا اِلی اللّه أربعین صباحاً، فأوحی اللّه الی موسی و هارون یخلّصهم من فرعون فخطّ عنهم سبعین و مأه سنه. قال: فقال أبوعبـدالله علیه السـلام: هکذا أنتم لوفعلتم، لَفَرج اللّه عنّا. فأمّا إذا لم تکونوا، فإنَّ الاَمر ینتهی إلی منتهاه» (بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱).

منابع

قرآن

نهج البلاغه

۱.آئین انتظار، علی اکبر تلافی، مؤسسه نبا، پاییز ۷۵ش.

۲.اثباه الهداه، شیخ حر عاملی، ۱۴۰۱ ق. چاپخانه علمیه قم.

۳.احتجاج، شیخ طبرسی، چاپ اسوه، ۱۴۱۶ ق.

۴.اختصاص، شیخ مفید، با تصحیح علی اکبر غفاری، نشر جماعه المدرسین قم، بی تا.

۵.ارشاد القلوب، ابو محمد الدیلمی، مؤسسه الاعلمی، بیروت.

۶.از پوچی تا خدا (مقاله)، مصاحبه با اوژن یونسکو، ترجمه سعید شهرتاش، روزنامه همشهری، سال اول، شماره۱۲، ۱۳۷۱ش.

۷.اصول کافی، شیخ کلینی، دارالاضواء بیروت، ۱۴۱۳ ق، ۱۹۹۲م.

۸.امالی، شیخ صدوق، مؤسسه البعثه قم، ۱۴۱۷ ق.

۹.امام مهدی در حدیث ثقلین، جمعی از نویسندگان، بنیاد فرهنگی مهدی موعود.

۱۰.امام مهدی و آینده زندگی، مهدی حکیمی، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، ۸۰ش.

۱۱.امامت و مهدویت، لطف الله صافی، مؤسسه انتشارات حضرت معصومه صلی الله علیه و آله و سلم، چاپ سوم.

۱۲.انتظار در اندیشه ها، مرکز فرهنگی امام مهدی صلی الله علیه و آله و سلم، پاییز ۷۸ش.

ص:۱۱۳

۱۳.انتظار مذهب اعتراض، علی شریعتی، انتشارات قلم، تهران، چاپ هشتم، بهار ۷۹ش.

۱۴.انتظار و انسان معاصر، عزیز الله حیدری، انتشارات مسجد مقدس جمکران، نیمه شعبان ۱۴۱۹ ق.

۱۵.انسان بدون خویشتن، نا تانیل براندون، ترجمه جمال هاشمی، شرکت سهامی انتشار، تهران، چ ۴، ۱۳۷۶ش.

۱۶.بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۸ق.

۱۷.برترین های فرهنگ مهدویت، مجید پورطباطبایی، ستاد انتخاب برترین های فرهنگ مهدویت.

۱۸.البرهان، سید هاشم بحرانی، مؤسسه الاعلمی بیروت ۱۴۱۹ ق، ۱۹۹۹ م.

۱۹.به سوی تمدن جدید، آلوین تافلر، هایدی تافلر، ترجمه محمد رضا جعفری، نشر سیمرغ، تهران، ۱۳۷۴ ش.

۲۰.تاریخ سید الشهداء، شیخ عباس صفایی حائری، انتشارات مسجد مقدس جمکران، تابستان ۷۹ ش.

۲۱.التحصین و صفات العارفین، احمد بن محمد بن مهد حلی، ترجمه سیدعلی حیدر گلباغی.

۲۲.تحف العقول، حسن بن علی بن الحسین حرّانی، مؤسسه الاعلمی بیروت، ۱۳۹۴ق، ۱۹۷۴ م.

۲۳.التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۷ق.

۲۴.تو می آیی، علی صفائی حائری، انتشارات لیله القدر، پاییز ۸۰ ش.

۲۵.توجهات ولی عصر به علما و مراجع، عبدالحسین باقی زاده، انتشارات تهذیب، بهار ۱۳۸۱ش.

۲۶.جستجو و گفتگو پیرامون امام مهدی صلی الله علیه و آله و سلم، سیدمحمد باقر صدر، مؤسسه نبا، چاپ دوم، ۷۹ ش.

۲۷.چشم اندازی به حکومت مهدی، نجم الدین طبسی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.

۲۸.چشمه در بستر، مسعود پورسید آقایی، انتشارات حضور، چاپ دوم.

۲۹.حضرت مهدی در سنت نبوی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، چاپ دوم، زمستان ۷۹ ش.

۳۰.در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه مهدی علیزاده، مؤسسه آموزشی _ پژوهشی امام خمینی.

۳۱.در فجر ساحل، محمد حکیمی، نشر آفاق، چاپ بیستم، ۱۳۷۶ ش.

۳۲.درس هایی از انقلاب، علی صفائی حائری، انتشارات هجرت، چاپ اول، ربیع الثانی، ۱۴۰۰ ق.

۳۳.رسالت تشیع در دنیای امروز، سیدمحمد حسین طباطبائی، با مقدمه هانری کاربن.

۳۴.سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری، انتشارات زائر، تابستان ۸۰ ش.

۳۵.شوک آینده، آلوین تافلر، ترجمه حشمت الله کامرانی، نشر سیمرغ، ص ۴۷۵.

۳۶.صحیح مسلم، ابوالحسن مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، تحقیق فواد عبدالباقی، داراحیاء التراث العربی، بیروت.

۳۷.ظهور مهدی از دیدگاه اسلام، عبدالله هاشمی شهیدی، انتشارات مسجد مقدس حمکران، تابستان ۱۳۸۱ ش.

۳۸.عصر زندگی، محمد حکیمی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلام، چاپ دوم،۷۴ ش.

۳۹.عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۷۵ ش.

۴۰.علی و پایان تاریخ، عبدالمجید فلسفیان، انتشارات مسجد جمکران، چاپ دوم، تابستان ۷۹ ش.

۴۱.عیون اخبار الرضا، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، نشر توس، قم.

۴۲.غیبت نعمانی، ابن ابی زینب، ترجمه جواد غفاری، کتابخانه صدوق، پاییز ۶۳ ش.

۴۳.الغیبه، شیخ طوسی، مؤسسه معارف اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ق.

۴۴.کافی، شیخ کلینی، دارالاضواء، بیروت ۱۴۱۳ ق، ۱۹۹۲ م.

۴۵.کمال الدین، شیخ صدوق، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ ق.

۴۶.کنز العمال، متقی هندی، تصحیح شیخ بکری حیّانی، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۵ق.

۴۷.ماهنامه بازتاب اندیشه، مرکز پژوهش های صدا و سیما با همکاری مؤسسه فرهنگی طه.

۴۸.ماهنامه موعود، اسماعیل شفیعی سروستانی، مؤسسه فرهنگی موعود.

۴۹.مجله مجموعه حکمت.

۵۰.مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۲ ق، ۱۹۸۳م.

۵۱.مجمع البیان، طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۵ ش.

۵۲.مجموعه مقالات، جشنواره دانشجویی موعود، آذر ۷۶ ش.

۵۳.مصباح المتهجد، مؤسسه الفقه الشیعه، ۱۴۱۱ ق، ۱۹۹۱ م.

۵۴.المعجم المفهرس لالفاظ النهج البلاغه، دشتی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۶ ق، ۱۹۸۶ م.

۵۵.معجم المفهرس للقرآن الکریم، محمد فؤاد عبدالباقی، اسماعیلیان، دارالمکتب المصریه، قاهره، ۱۳۶۴ ق، ۱۹۴۵م.

۵۶.مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.

۵۷.مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم صلی الله علیه و آله و سلم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ترجمه سیدمحمد حائری قزوینی، انتشارات شقائق، پاییز ۸۰ ش.

۵۸.من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، دار الاضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق، ۱۹۹۲ م.

۵۹.منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، مؤسسه سیده المعصومه علیها السلام، ۱۴۱۹ ق.

۶۰.موج انتظار، دولت آبادی، بحرالعلوم، چاپ سپهر، پاییز ۷۹ ش.

۶۱.مهدی در سنت نبوی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ دوم، زمستان ۷۹ ش.

۶۲.مهدی در قرآن، رضا فیروز، انتشارات رایحه، ۷۶ ش.

۶۳.مهدی در قرآن، سیدمحمد عابدین زاده، انتشارات لاهیجی،۸۰ ش.

۶۴.میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم، اردیبهشت ۶۷ش.

۶۵.نجم الثاقب، نوری طبرسی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم.

۶۶.نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۶ ق، ۱۹۸۶ م.

۶۷.نهج الفصاحه (کلمات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان، تهران، چاپ پانزدهم، ۱۳۶۰ش.

۶۸.نهضت سربداران خراسان، ب، پتروشفسکی، ترجمه کریم کشاوز.

ص:۱۱۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹